

که به آن‌ها بجهت این عمل می‌رسد واضح ایندستخط باین‌کثفا خواهد که بجناب صدراعظم دولت ایران معلوم نماید که بعضی از رعایای مذکوره مریض و از گرسنگی نزدیک بهلاکت رسیدند بجهت نرسیدن مواجب ایشان در وقت و موقع خود درایم تابستان گذشته لابد شده که در مدت چندروز درجبال و تلال سکنی نمایند و بعد از آن که آن‌ها نزدیک در ایرانی که موافقت شغل صیادی سفیدرود بعهد او مقوض است بشکایت بر آمدند مشارالیه در جواب گفت آن‌ها می‌توانند سنگرزهای دریا را بغورند منتفع است که اولیای دولت ایران توانند این نوع سلوک وحشی را متحمل شوند بناء علیه واضح ایندستخط بانمای دولت ایران تکلیف مینماید که حکمی صادر فرمایند که بعد از این بارعایای دولت روس بهتر از این رفتار شود و اجرت آن‌ها نقد یومافیوما از جانب عالیجاه میرزا اسمعیل کارسازی شده هرگاه غیر از این باشد جناب میرزا آقاخان خود تصدیق خواهند نمود که برطبق حالت این موضوع اگر رعایای روس من بعد راضی نخواهند شد که آمده مشغول امر صیادی سفید رود شوند البته اولیای دولت روس هم به آن‌ها تکلیف نخواهند کرد که میبایند و از گرسنگی بمیرند در انجام شغلیکه از برای آن‌ها منفعت بسیار قلیل دارد .

و همچنین شازردافر روس در تاریخ ۹ ماه شوال ۱۲۷۲ نوشته

« عملجات ماهیگیری از رعایای دولت روس که در کنار سفیدرود میباشند از رفتار میرزا احمد نام نویسنده عالیجاه میرزا اسمعیل مباشر خیلات مزبور شاکی میباشند که او به آن‌ها استاد دزدی حتی فحش و دست درازی می‌کند گذشته از همه این‌نوع حرکات مانع میشود که هیچ چیز را در اطراف نتوانند بخرند به مقصود اینکه قیمت سه مقابل گران‌تر اشیاء دکان خود را بفروش برسانند واضح ایندستخط شازردافر اعلیحضرت ایمر اطوری مقیم دربار ایران مکرر تقریر و تهریرا از جناب جلالتماب اشرف امجد صدراعظم اعلیحضرت پادشاهی خواهشمند شده بود که قرار رفع و دفع این‌نوع رفتار را نسبت بر رعایای روس که از برای عمده صیادی در کنار سفید رود می‌آیند فرمایند و نیز مجددا همان خواهش را اظهار نموده لابد است با منتهای افسوس معلوم آنجناب اشرف امجد ارفع نماید که من بعد از این متحمل این نوع ظلم و رفتار ناهنجار واضح ایندستخط را مجبور خواهد نمود که بمقام چاره مرخص نمودن عمده روسیه از سفید رود و خواهش قدغن من بعد از برای آمدن آن‌ها از هشتراخان سفید رود برآید واضح ایندستخط و غیره .

سابقا گفتیم که چون روسها وسائل بیشتری برای صید و حمل و نقل ماهی داشتند بهتر می توانستند امور شیلات را اداره کنند

**ایرانیها محتاج به کمک بودند**

علت اساسی که اولیای دولت ایران را وامیداشت شیلات را بر روسها اجاره دهند همین موضوع بود . البته دولت روسیه برای انجام منظور هائی که قبلا بدان اشاره شد از اجاره داری اتباع روس پشتیبانی و حمایت مینکرد ولی اگر دولت ایران از پذیرفتن این پیشنهاد سر باز میزد روسها نمیتوانستند عمل بهره برداری از شیلات را خنثی سازند زیرا عمده صید و متخصص ماهی گیری باید از روسیه بیاید و وسیله صید و ماهیگیری باید از روسیه خریداری شود - کشتی و وسائل حمل و نقل مطلقا با تابع روس بود و بالاخره قسمت عمده محصول شیلات بشهرهای روسیه صادر میشد .

هرگاه اجاره دار عمده شیلات تبعه ایران بود نمی توانست بدون مساعدت و جلب نظر روسها از عمل خود نتیجه ای بگیرد و بدین جهت همیشه اجاره داران ایرانی و مباشرین شیلات منوسل بدولت ایران می شدند تا از طریق سیاسی همراهی و کمک روسها رانسبت بخود جلب نمایند .

برای روشن شدن این موضوع بدون آنکه توضیح بیشتری در این باب بدهد در

نامه که از طرف دولت ایران بنظر دولت روس نوشته شده و در آنها برای متضدیان ایرانی امر شیلات تقاضای کمک گردیده ذیلا نقل مینمایم .

میرزا مسعود وزیر امور خارجه محمد شاه به ستور حاجی میرزا آقاسی صدراعظم در ماه ربیع الثانی سال ۱۲۶۱ بوزیر مختار روس چنین مینویسد .

« عالیجاه میرزا اسمعیل میرزا آقاسی سه ققره عرض بجناب اجل اعظم آقای >  
 > حاجی مدظله العالی کرده بود که بلوچوز خسارتی که درین سال در معامله سفید >  
 > رود بمن رسیده است استدعا دارم که اولیای دولت قاهره قزاقی در باب این سه >  
 > ققره عرض بدهند که زیاد ضرر بمن که رعیت دولت علیه هستم از سد جناب معظم >  
 > الیه بدوستان فرمائیش فرمودند که در باب این سه ققره عرض او با آنجناب زحمت >  
 > دهند که بمقتضای کمال اتحاد دولتین بهتین و حسن اتفاق که آنجناب دارند در >  
 > انجام آنها نظر التفات بکنارند .

« ققره اول این است که عالیجاه مشارالیه بیکفروند کشتی تجارتمی ساخته است >  
 > که بحکم عهدنامه میتوالد در آن دریا داشته باشند این اوقات میخواهد کشتی >  
 > خود را ماهی حمل کرده بفروشد بطراحی ترخان آنجناب نوشته بدهند که کسی >  
 > متعرض کس او نشود .

« ققره دوم کسان او از گیلان نوشته اند که پیش از قطع و فصل کار سفید رود >  
 > جناب سامی به تجار دولت بیه روسیه قدغن فرموده اند که کشتی خود را اجاره >  
 > باوندهند که ماهی خود را حمل حاجی ترخان نماید حال که کار سفید رود گذشته >  
 > است نوشته بتجار دولت بیه روسیه مرقوم دارند که اگر مشارالیه کشتی اجاره >  
 > بخواهد باو بدهند و از او مضایقه نمایند که ماهی خود را حمل حاجی ترخان >  
 > کرده بفروش برساند .

« ققره سیم این است که در سفید رود بار و اسباب و صیادی دارد و عمده از تبعه >  
 > دولت بیه روسیه یکساله اجیر کرده است عالیشان محمد حسن بیک مامور است >  
 > برود باطلاع عالیجاه موسیولنبروس مباشر قونسولگری آندولت بیه اسباب >  
 > صیادی او را با عمده صید که در اجاره او هستند بجائی دیگر حمل کرده مشغول امر >  
 > صیادی شوند جناب سامی نوشته بعالیجاه موسیولنبروس مرقوم دارند که متعرض >  
 > اسباب صیادی مخصوص او و عمده که در اجاره اوست نشوند چون این سه ققره >  
 > عرض و استدعای عالیجاه مشارالیه مقرون بحساب است یقین است که آنجناب به >  
 > مقتضای کمال اتحاد دولتین بهتین این زحمات را قبول فرموده نوشتجاتی که >  
 > استدعا کرده است خواهند داد که بزودی آدم خود را روانه دارد . چون لازم بود >

« زحمت داد - تخریرا فی ۲۴ شهر ربیع الثانی ۱۲۶۱

نامه دیگر که از طرف وزیر امور خارجه بوزیر مختار روس نوشته شده .

« جناب جلالت و نبالت نصایباً محبتان استظناها از مشفقاً مکرماً مهرباناً >

« امور شیلات متعلقه باندولت علیه بر حسب امرهایون سرکار اعلیحضرت اقدس >

« شاهنشاهی خلدالله ملکه و سلطانه در هذمه السنه یون تئیل و بعدها بامیرالامراء العظام »  
 « عمیدالملک حاکم گیلان مفوض و موکول شده است که در ضبط و نسق شیلات اهتمام »  
 « نمایند و همه ساله موافق قرار داد اولیان دولت وجه عمل آنجا را بدیوان »  
 « کارسازی دارند چون انضباط این مهم همراهی جناب مجدت و نبالت همراه حکمران »  
 « حاجی ترخان را لازم دارد لهذا زحمت افزای خاطر آنجناب جلالتمآب میشود که »  
 « شرحی در اینخصوص بجناب معزی الیه بنویسند که لدیالضروره باقتضای مودت و »  
 « موالات دولتین علیتین ایران و روس از همراهی و مراقبت در اداره این عمل مضایقه »  
 « نمایند و اظهارات عالیجاه مجدت همراه میرزا یوسف خان کارپرداز مقیم آنجا »  
 « را در این باب باجابت مقرون دارند و چنانچه گماشتگان امیرالامراء العظام »  
 « عمیدالملک عمله و اسباب صیادی و سایر ملزومات لازم داشته باشند قدغن نموده »  
 « بآنها بدهند و قیمت ملزومات را دریافت نمایند و چون عمل فروش ماهی که در سنه »  
 « ماضیه در حاجی ترخان شده است در هذمه السنه باید بتوسط گماشتگان عمیدالملک »  
 « بدیوان عاید شود توجه اهتمامی در وصول و ایصال آن از جانب حکومت حاجی »  
 « ترخان بعمل آید بدیهی است آنجناب هر چه زودتر شرح موکدی در این باب قلمی »  
 « داشته نزد دوستدار خواهند فرستاد که نزد امیرالامراء العظام معزی الیه بفرستد . »  
 حرره فی سلخ شهر صفر المظفر سنه ۱۲۷۵

### سپهسالار شیلات را اجاره میکنند

در شرح زندگانی میرزا حسین خان سپهسالار گفتیم که بسیاری از امور دولتی را در دوران صدارت خود تحت نظم و قاعده درآورد .

موضوع بهره برداری شیلات چنانکه گذشت نه تنها از

لحاظ سیاسی بواسطه اختلافاتی که بین مستاجرین متعدد ایرانی و روسی پیدا میشد برای دولت ایران اشکالاتی را پیش میآورد از جهت مادی نیز درآمد دولت چندان قابل ملاحظه نبود و هیچوقت میلیتی که ارزش واقعی شیلات باشد عاید خزانة نمیکشت .

مال الاجاره ای که برای دولت وصول میشد از دست سوم و چهارم بود تازه مبالغی از آنرا بسناوین مختلف بابت مخارجی که صورت میدادند محسوب و کسر میکردند .

میرزا حسین خان سپهسالار برای آنکه باین وضع خاتمه دهد بر آن میشد که شیلات را مستقیماً خود از ناصرالدین شاه اجاره کرده و سپس بکجا بروسها اجاره دهد .

این نکته باید در اینجا گفته شود علت اینکه سپهسالار شیلات را بروسها واگذار کرد و آنها را بمستاجرین ایرانی ترجیح داد یکی از جهت سیاسی بود که دولت روسیه باین موضوع بی نظر نبود و بطوریکه دیدیم مامورین سیاسی و کنسولی روس اغلب مواقع ازدولت ایران تقاضای اجاره داری شیلات را برای اتباع روسیه مینمودند و یقیناً عدم توجه بآن باعث رنجش دولت تزاری روس میگردد و از لحاظ روابط دولتی که بواسطه لغو امتیاز رویتیر میرفت بهبودی یابد بسیار مهم بود .

دیگر از نظر مادی که روسها بعلت داشتن وسائل بهتری برای صید و خرید و

فروش مال الاجاره بیشتری میدادند .

قبل از دوران صدارت سپهسالار مکرر از طرف روسها پیشنهاد اجاره شیلات میشد ولی ناصرالدین شاه از قبول آن پیشنهادها خود داری میکرد چنانکه در گزارشی که بتاریخ ذی الحجه ۱۲۸۶ راجع بموضوعات مختلف از جمله شیلات بنظرش رسانده اند نوشته است « وزیر دول خارجه »

قره نوشته بودید که قونسول روس خواهش دارد شیلات را بتاجر حاجی طرخانی اجاره داده شود حالا موقع این گفتگوها نیست البته در کمال خوبی از قونسول عذر بخواهید ۸۶

بهرحال پیشنهاد سپهسالار مورد تصویب «شاه» واقع و اجاره نامه ای بمنوان میرزا حسین خان سپهسالار تهیه و بامضای ناصرالدین شاه میرسد . که عین آن در صفحه بعد گراور شده است

سپهسالار شیلات را  
بروسها اجاره  
میدهد

میرزا حسین خان سپهسالار پس از امضاء اجاره نامه شیلات را بموجب قراردادوی در تاریخ ۱۲ یون (ماه ژوئن روسی) ۱۸۷۶ (سال ۱۲۹۳ هجری قمری) به استیپان لیانازوف بازرگان ارمنی حاجی طرخانی تبعه روس اجاره میدهد ولی مدت این قرار داد چندان بطول نمی انجامد که بین طرفین اختلاف حاصل و لیانازوف از پرداخت مال الاجاره خود داری نموده و مامورین ایرانی نیز بدستور سپهسالار با اطلاع سفارت روس اسباب صیادی لیانازوف را توقیف میکنند و بالاخره بعد از مذاکراتی که بین ملک ییگلروف و کیل لیانازوف و سپهسالار در تهران بعمل میآید اختلافات گذشته مرتفع و قرار میشود شیلات به لیانازوف و شرکای او اجاره داده شود .

بدین منظور ابتدا مصالحه نامه ای بشرح زیر تهیه میگردد .

### مصالحه نامه

دارالخلافه تهران بتاریخ ۱۴ ماه اکتبر ۱۸۷۹ مسیحی جناب مستطاب اجل اشرف امجد حاجی میرزا حسین خان مشیر الدوله سپهسالار اعظم وزیر امور خارجه دولت علیه ایران بموجب اختیار و اقتداری که از دولت علیه ایران دارند بجناب دیستوی تلونی استاتسکی ساوت نیک پاول شادمیرویچ ملک ییگلروف (۱) بموجب وکالت نامه که از بانو مستوانی پاچوتنی گراژداین استیپان مارتین اویچ لیانازوف (۲) تاجر درجه اول شهر حاجی ترخان دارند جمیع مجامع و مباحثاتی که در خصوص اجاره شیلات دولت علیه ایران بموجب قرار نامه منعقد فی دوازدهم شهریور ۱۸۷۶ سنه مسیحی فیما بین جناب مستطاب اجل اشرف امجد سپهسالار اعظم و لیانازوف مزبور بوده است موافق شروط مفصله ذیل بالمره قطع و فصل گردید .

شرط اول - جناب مستطاب اجل اشرف امجد سپهسالار اعظم جمیع مطالبات خود را که از استیپان لیانازوف از بابت اجاره شیلات دولت علیه ایران بموجب قرارنامه مذکور داشتند تا تاریخ اول ماه اکتبر هذمه السنه ۱۸۷۹ مسیحی بالمره قطع و فصل نمودند و چه جمیع مستندات و معاهدات را که فیما بین جناب مستطاب

1 — Deystvitelnyy Statskiy Sovetnik PAVEL CHADMIROVITCH MELIK-BGLIYAROV

2 — Potomstvenniy Potchotniy Grajdaniin STEPAN MARTINOVITCH LIANOZOV

در این مقامی که در این سال تمام کامل الشهور  
 ولایات همگی و تمامی کل شیلات  
 و صید انواع ماهی بحر خزر را  
 چند کیلان وجه مازندران و تنکابن  
 و رودخانه های مخصوصه و مرداب  
 و غیره آنچه متعلق بدولت علیه  
 ایران است با جاره صیغه شریعه  
 متصله غیر منقکه در سالی سی و یک  
 هزار تومان وجه رایج خزانه عامه  
 بجناب مستطاب اشرف حاجی میرزا  
 حسین خان مشیرالدوله سپهسالار  
 اعظم و وزیر امور خارجه و اگذار  
 فرمودیم که همه ساله سالی هجده  
 هزار تومان مواجب خود را از مبلغ  
 مزبور موضوع داشته مبلغ سیزده  
 هزار تومان باقی را که خالص از وجه  
 اجاره می مانده کار سازی دارد و  
 ضمانت اختیار تام تمام شرعی و جناب  
 معزز الیه دادیم که بری ترقی  
 شیلات هر گونه عملیات و اسباب  
 و آلات سیادی و پیرایس و ابنیه که  
 صلاح داند زیاد نموده و از ارباب  
 خردت و بیسرت هر کس که مقتضی  
 ترقی این عمل به بندرجوع کرده  
 کماله جهد و کوشش را در ترقی  
 این عمل بعمل آورده و همچنین  
 شرطی شرعی شد که پس از انقضاء  
 مدت ده سال که موعده اجاره است  
 آنچه اسباب و آلات و پیرایس و غیره  
 بر تهمیم قوم جناب معزز الیه حاضر  
 و در زیاد کرد است مال و ملک خاص  
 خود است و هر گاه مستاجر جدید  
 و هر کسی دیگر کائتمان کان آن  
 اسباب و غیره را کلا و بعضاً بخواهد  
 از او بقیمت عادله اکتیاع نماید و در  
 این مدت ده سال احدی را شرعاً و عرفاً  
 حق و اجازه نخواهد بود که بدون اطلاع  
 و اجازه مستاجر مرقوم مداخله جزئی  
 یا کلی در امور شیلات نماید هر چه  
 غرض جمادی الاخره سنه ۱۲۹۳  
 ناصرالدین شاه با خط خود  
 در حاشیه نوشته .

در این مقامی که در این سال تمام کامل الشهور  
 ولایات همگی و تمامی کل شیلات  
 و صید انواع ماهی بحر خزر را  
 چند کیلان وجه مازندران و تنکابن  
 و رودخانه های مخصوصه و مرداب  
 و غیره آنچه متعلق بدولت علیه  
 ایران است با جاره صیغه شریعه  
 متصله غیر منقکه در سالی سی و یک  
 هزار تومان وجه رایج خزانه عامه  
 بجناب مستطاب اشرف حاجی میرزا  
 حسین خان مشیرالدوله سپهسالار  
 اعظم و وزیر امور خارجه و اگذار  
 فرمودیم که همه ساله سالی هجده  
 هزار تومان مواجب خود را از مبلغ  
 مزبور موضوع داشته مبلغ سیزده  
 هزار تومان باقی را که خالص از وجه  
 اجاره می مانده کار سازی دارد و  
 ضمانت اختیار تام تمام شرعی و جناب  
 معزز الیه دادیم که بری ترقی  
 شیلات هر گونه عملیات و اسباب  
 و آلات سیادی و پیرایس و ابنیه که  
 صلاح داند زیاد نموده و از ارباب  
 خردت و بیسرت هر کس که مقتضی  
 ترقی این عمل به بندرجوع کرده  
 کماله جهد و کوشش را در ترقی  
 این عمل بعمل آورده و همچنین  
 شرطی شرعی شد که پس از انقضاء  
 مدت ده سال که موعده اجاره است  
 آنچه اسباب و آلات و پیرایس و غیره  
 بر تهمیم قوم جناب معزز الیه حاضر  
 و در زیاد کرد است مال و ملک خاص  
 خود است و هر گاه مستاجر جدید  
 و هر کسی دیگر کائتمان کان آن  
 اسباب و غیره را کلا و بعضاً بخواهد  
 از او بقیمت عادله اکتیاع نماید و در  
 این مدت ده سال احدی را شرعاً و عرفاً  
 حق و اجازه نخواهد بود که بدون اطلاع  
 و اجازه مستاجر مرقوم مداخله جزئی  
 یا کلی در امور شیلات نماید هر چه  
 غرض جمادی الاخره سنه ۱۲۹۳  
 ناصرالدین شاه با خط خود  
 در حاشیه نوشته .

در این قرارداد و اجاره شرعی صحیح است و بچوجه تخلف نباید بشود و انشاء الله جناب سپه سالار اعظم هم  
 قیامت مراقبت را در انتظام عمل شیلات خواهد کرد ۹۳

معظم الیه و مسیولیاتوزوف در خصوص شیلات مزبوره فوق منعقد بوده جناب مستطاب اشرف سپهسالار اعظم باطل  
 و از درجه اعتبار ساقط نموده بنابراین به محض امضای همین مصالحه نامه جناب مستطاب معظم الیه متعهد می  
 باشند که سفارت دولت بیه روسیه مقیم دارالخلافه طهران اعلام نمایند که جمیع واطکه ها و اسباب و لوازم متعلقه  
 بعمل سیادی آن ها را که در ضبط بوده آنها را از ضطیت خارج نمایند و کلا را بوکیل لیانزوف مسترد نمایند  
 واحکام لازمه بهمین مضمون با تالغراف بحکام کیلان و مازندران و استراباد صادر فرمایند .  
 شرط دوم - جناب ملک بیگلروف هم بموجب و کالت خود متعهد می شود که جمیع محاسبات و مطالبات  
 و ادعاهائی که مسیولیاتوزوف بموجب قرارنامه منعقد مورخه دوازدهم ماه یون سنه ۱۸۷۶ فی مابین جناب مستطاب  
 اشرف سپهسالار اعظم و لیانزوف از بابت اجاره شیلات مذکوره فوق از جناب مستطاب سپهسالار اعظم داشته که  
 عارت از سی و نه هزار تومان می باشد بالمره ترک و موقوف نماید لهذا چه قرارنامه مذکور را وجه جمیع دستدات و  
 مساعدات را که در خصوص شیلات مزبوره منعقد بوده باطل و از درجه اعتبار ساقط نمود علاوه بر این جناب ملک  
 بیگلروف متعهد می باشد از جهت قطع و ختم محاسبات طرفین بفاصله یکماه بعد از امضای همین مصالحه نامه  
 مبلغ سی و دو هزار تومان از جانب لیانزوف بجناب مستطاب سپهسالار اعظم کارسازی نماید .  
 شرط سیم - این مصالحه نامه بامضای طرفین باید نخستین باشد و به ثبت و مهر وزارت جلیله مهم خارجه  
 دولت علیه ایران و سفارت دولت بیه روسیه مقیم دارالخلافه تهران رسیده یک نسخه آن را جناب مستطاب اجل  
 اشرف افخم سپهسالار اعظم و نسخه دیگر آن را جناب دستوی تلی استاتسکی ساوت نیک ملک بیگلروف دات  
 باشند . محل مهر وزارت امور خارجه . محل امضاء : میرزا حسین خان سپهسالار اعظم و وزیر امور خارجه دولت  
 علیه ایران .

بعد از رفع اختلافات گذشته و امضاء مصالحه نامه قرارداد بدست پنجسال برای  
 بهره برداری از شیلات ایران بین میرزا حسین خان سپهسالار صدراعظم و وزیر امور خارجه  
 از یکطرف و چهار بازرگان روسی شرح زیر در همان تاریخ بامضاء میرسد .  
**قرارنامه کتراکت**

- » دارالخلافه تهران بتاريخ ۴ شهر اکتبر سنه ۱۸۷۹ مسیحی مطابق هفتم شهر
- » ذی قعدة ۱۲۹۶ هجری اشخاص مفصله ذیل یعنی جناب مستطاب اجل اشرف امجد
- » حاجی میرزا حسین خان سپهسالار اعظم و وزیر امور خارجه دولت علیه ایران بموجب
- » اختیار و اقتداری که از دولت علیه ایران دارند از یک جانب و جناب دستوی تلی
- » استاتسکی ساوتنیک پاول شادمیروویچ ملیک بیگلروف از جانب خود و بوکالتهای
- » مطلق از جانب استاتسکی ساوتنیک لو آرساب ملیک بیگلروف (۱) برادر خود
- » و از جانب پاتومستونی باچوتنی گراژدانین استپان مارتینویچ لیانازوف تاجر
- » درجه اول شهر حاجی ترخان والکستدر آقا فونویچ ملیک آزاریانس (۲) تاجر
- » درجه اول شهر طفلیس این قرارنامه کتراکت را منعقد نمودم به شرایط ذیل
- » شرط اول
- » جناب مستطاب اجل اشرف امجد سپهسالار اعظم تمام و همگی شیلات و عمل
- » صید ماهی دولت علیه ایران را که منسی بحلال و حرام است از رودخانه آستارا که
- » سرحد دولت بیه روسیه است الی رودخانه انرک که سرحد دولت علیه ایران است بموعده
- » پنج سال کامل یعنی از اول ماه اکتبر سنه ۱۸۷۹ مسیحی الی اول ماه اکتبر سنه ۱۸۸۴

1 - Statskiy Sovetnik LOUARSAB MELIK-BAGLIYAROV  
 2 - ALEXANDR AGHAFONOVITCH MELIK AZARIAN

- « با اجازه صحیحه قطعیه میدهد بپیرادران ملیک بیگلر و فو به لیا نازوف و ملیک آزار یانس »  
 « بمبلغ اجاره هر ساله پنجاه هزار تومان پول ایران .  
 « شرط دوم - اجازه داران مذکور متعهد و متقبل میشوند که وجه اجاره  
 « را از بابت شیلات و عمل صید ماهی که در شرط اول مذکور است یعنی مبلغ پنجاه  
 « هزار تومان را بپول قران رایج دولت علیه ایران در هر یکسال در دو قسط مساوی که  
 « عبارت از پانزدهم ماه ژانویه و پانزدهم ماه مارس سنوات آتیه ذیل - سنه ۱۸۸۰  
 « و سنه ۱۸۸۱ و سنه ۱۸۸۲ و سنه ۱۸۸۳ و سنه ۱۸۸۴ مسیحی باشد در شهر طهران  
 « بجناب مستطاب سپهسالار اعظم کارسازی نمایند در صورتیکه اتفاقا اجاره داران  
 « مذکور وجه اجاره مذکور را بر سر موعدهای مذکور کارسازی ننمایند از برای  
 « هر قسطی از اقساط یکماه مهلت داده خواهد شد بشرط این که بجهت اوقات پس  
 « افتاده تنزیل از قرار تومانی یکصد دینار در هر ماهی یعنی از صد دوازده در  
 « سال کارسازی نمایند .  
 « شرط سیم - در صورتیکه جناب مستطاب سپهسالار اعظم خواسته باشند صید  
 « ماهی حلال را در اختیار خود داشته باشند اجاره داران مذکور متعهد و متقبل میشوند  
 « که این اختیار را بآنجناب واگذار نمایند ولی در این صورت آنجناب نیز متعهد  
 « میشود که دوازده هزار تومان از پنجاه هزار تومان وجه اجاره سالیانه را از دو  
 « قسط آنسال موضوع و در جزو حساب محسوب بدارند و نیز بشرط اینکه هر دفعه این  
 « میل واراده خود را قبل از وقت تا اول ماه نوامبر هر سال به اجاره داران مذکور  
 « اعلام نمایند .  
 « شرط چهارم - کل پریاس یعنی جمیع اسباب و لوازم که از هرجهت از برای  
 « عمل و مصارف واطا که های صید ماهی و شیلات حمل و نقل بداخل دولت علیه ایران  
 « بشوند و ایضا هر قدر از اجناس متفرقه متعلق بصید ماهی و عمل شیلات از واطا که  
 « های صیادی ایران حمل و نقل بخارج از دولت ایران شوند مباشرین گمرکخانه های  
 « دولت علیه ایران از قرار اجاره سالهای سابق از اجاره داران مذکور بهیچوجه  
 « حق مطالبه وجه گمرک نخواهند داشت .  
 « شرط پنجم - چون واطا که واقع در جزیره آشوراده بواسطه سیل آب منهدم  
 « شده است لهذا جناب مستطاب سپهسالار اعظم قبول میکنند که اجازه بدهد در  
 « یکی از نقاطی در سواحل قولتی استرآباد به استثنای سرتک و میان قلعه انتخاب  
 « بکنند واطا که ازنی بجهت صید ماهی بسازند مستاجرین مجبورند که قبل از وقت  
 « نقاط مزبوره را با اطلاع سپهسالار اعظم رسانیده اجازه بخواهند بجهت  
 « ساختن واطا که .  
 « شرط ششم - محض ترقی و شیوع و انتشار عمل صید ماهی به اجاره داران مذکور  
 « اجازه داده میشود که در تمام امتداد و مسافت واقع در میان رودخانه های آستارا  
 « و اتراک بغیر از سرتک ( میان قلعه ) واطا که های جدید بغیر از آنها که الان حاضر

- « و موجود میباشند ساخته دایر نمایند ولی بشرط اینکه هر دفعه قبل از وقت بجناب  
 « سپهسالار اعظم اطلاع و اخبار دهند و اجازه بخواهند و جناب سپهسالار اعظم هم  
 « در دادن اجازه مذکور انکار نخواهند داشت  
 « شرط هفتم - اگرچه در حسن سلوک و رفتار حضرات اجاره داران با رعایای  
 « دولت علیه ایران شک و شبهه نیست لیکن اگر فیما بین کسان اجاره داران و اهالی  
 « دولت علیه ایران حرفی یا اختلافی واقع شود اجاره داران مذکور تعهد میکنند که  
 « کسان آنها اول بحکم دولت علیه ایران رجوع نمایند یا آنکه بدان شخص که  
 « بسمت کارپردازی از جانب جناب مستطاب سپهسالار اعظم معین و مامور باشد از  
 « برای امورات متعلق بعمل شیلات ( در صورتی که چنین شخصی در آنجا باشد )  
 « رجوع خواهند نمود .  
 « شرط هشتم - در صورتیکه برهم خوردن هر یک از فصول بغیر از فصل هفتم این  
 « قرار نامه هر کس از طرفین که اسباب برهم خوردن آن بشود باید مبلغ یکصد هزار منات  
 « پول اسکناس روس بطرف مقابل برسم جریمه کارسازی نماید و در مدت اماره  
 « واطا که ها و اسباب صیادی تمام آنها مثل یک ضمانت بجهت موجود باقی خواهد  
 « بود و مستاجرین در مدت اجاره حق اینکه آنها را بسایرین بفروشند یا انتقال  
 « نمایند ندارند .  
 « شرط نهم - بعد از اتمام موعده اجاره مذکور در قرار نامه کل واطا که ها و پریاس  
 « ها یعنی اسباب و لوازم متعلق بعمل شیلات و صید ماهی ملک طلق اجاره داران می  
 « باشند و بعد از اتمام موعده اجاره داران مستحق میباشند که قرار نامه باجناب مستطاب  
 « سپهسالار اعظم یا با اجاره داران جدید منعقد نموده قراری در باب واگذار نمودن  
 « واطا که ها و اسباب لوازم مذکور را با ایشان بگذارند ولی در صورتیکه این  
 « قرار نامه باجناب مستطاب سپهسالار اعظم و نه با اجاره داران جدید سر نگرفت  
 « آنوقت اجاره داران مختار و مستحق میباشند که واطا که ها و اسباب لوازم خود را  
 « برچیده در مدت سه ماه از آذربایران حمل و نقل نمایند اگر فورس ماژور یعنی  
 « حادثه فوق العاده رخ نماید .  
 « شرط دهم - کنتراکت یعنی قرار نامه حاضر نخستین نوشته شده و بامضای  
 « طرفین رسیده بایک نسخه از آن در نزد اجاره داران باشد و نسخه دیگر آن باید  
 « تقدیم خدمت جناب مستطاب اجل اشرف امجد سپهسالار اعظم بشود . میرزا حسین  
 « خان - محل مهر شیر و خورشید ( وزارت جلیله مهام خارجه دولت ایران )  
 « بطوری که ملاحظه میشود سپهسالار شیلات را بسالی سی و یک هزار تومان از  
 « ناصرالدینشاه اجاره میکنند که هیجده هزار تومان آنرا بابت مواجب خود برداشته و سیزده  
 « هزار تومان بقیه را به خزانه دولت بپردازد و سپس خود شیلات را بسالی پنجاه هزار تومان  
 « بروسها اجاره میدهد .  
 « میرزا حسین خان سپهسالار سال بعد از امضای این قرارداد در شوال ۱۲۹۷ از



یکی ابتدای ماه ژانویه روسی و دیگری  
ابتدای ماه آوریل روسی بمن کارسازی دارند  
چنانچه قسط سال اول را بهمین بهج کارسازی  
داشته و قبض در دست دارند و مال الاجاره  
چهار سال دیگر را که عبارت باشد از دوست  
هزار تومان رایج ایران موافق قسط و نموجی  
که در فوق ذکر شد، بالطوع والرغبه بمیل  
ورضای خودم انتقال داده و تحویل نمودم  
بذات اقدس همايون شاهنشاه جمجاه ظل الله  
(ناصرالدینشاه) خلدالله ملكه و سلطانها و  
تخلیه ید نمودم كاملا از جميع شيلات و  
مناقص مال الاجاره او به قسمی که از امروز  
بيعد مرا بهيجوجه حقی و قدرتی در اخذ  
مال الاجاره یا تغییر شرایط مندرجه در  
اجاره نامه که در دونهه بيك مضمون  
نگاشته شده و بمهر وزارت جليله خارجه  
دولت عليه ايران و بمهر سفارت دولت  
امپراطوری روس در تهران تصدیق شده  
نسخه در نزد اینجناب و نسخه در نزد  
پول شادمیر و پوج ملك بیگلروف می باشد  
باقی بماند و عالیجاه پول شادمیر و پوج  
ملك بیگلروف قسط مال الاجاره سنه  
آتی ۱۸۸۱ و سه قسط دیگر متوالی این  
قسط را در ظرف چهار سال تامدت اجاره  
منتقضی شود بهر که ذات اقدس همايون  
شاهنشاه ایران خلدالله ملكه معین و  
منتخب فرمایند کار سازی داشته و  
قبض الواصل دریافت نمایند و از امروز  
بیعدهیچ قبض و سندی بجز از شخصی که  
ذات مقدس ملو کانه معین میفرمایند محل  
اعتنا و اعتبار نخواهد بود این چند کلمه  
بر سبیل انتقال نامه و کف ید نمودن در  
کمال استحکام قلمی و تحریر شد مورخه  
۲۲ شوال المکرم سنه ۱۲۹۷ هجری  
مطابق ۱۶ سپتامبر سال ۱۸۸۰ روسی  
فقرات مسطوره در فوق صحیح و اعتراف  
اینجناب است - حسین  
محل مهر (عبده الراجی محمد حسین)

بسم الله الرحمن الرحیم  
اینکه در تاریخ ۱۶ سپتامبر سال ۱۸۸۰ روسی  
مطابق ۲۲ شوال المکرم سنه ۱۲۹۷ هجری  
فقرات مسطوره در فوق صحیح و اعتراف  
اینجناب است - حسین  
محل مهر (عبده الراجی محمد حسین)

شد مخلص جناب شما - حسین < ولی این نامه را بسفارت روس نفرستاده اند .

**شيلات بعد از سپهسالار**

پس از عزل سپهسالار ناصرالدینشاه شيلات را بکامران  
میرزا نایب السلطنه فرزند خود واگذار میکند در جریان مدت  
اجاره لیا نازوف بانایب السلطنه وارد مذاکره میشود که بعد از  
انتضای مدت اجاره شيلات را به تنهایی خودش اجاره کند و شش هزار تومان نیز اضافه  
بر مال الاجاره سالانه سابق بپردازد .

بهین منظور قراردادی باهشت شرط برای مدت شش سال از اول ماه اکتبر ۱۸۸۴  
تهیه و در تاریخ ششم جمادی الثانی سال ۱۳۰۰ هجری قمری (اول آوریل ۱۸۸۳) بین نایب السلطنه  
و میرزا سمیدخان وزیر امور خارجه از یکطرف و استپان لیا نازوف از طرف دیگر منعقد میگردد .  
شرایط این قرارداد تقریبا مانند قرارداد قبلی است بجز حق اختیار صید ماهی  
خلال که بموجب شرط سوم قرار داد سابق میرزا حسین خان سپهسالار برای خود محفوظ  
داشته بود در مقدمه این قرارداد چنین نوشته شده .



استپان لیا نازوف

« شهردار الخلافه طهران غره ماه اپریل سنه ۱۸۸۳  
مادر ذیل امضاء کنندگان و قول گذارندگان و کلای دولت علیه ایران حضرت مستطاب ارفع اشرف والایاب  
السلطنه امیر کبیر وزیر جنک دولت علیه ایران و فرمان فرمای طهران - کیلان - مازندران - استرآباد و جناب  
مستطاب اجل اکرم افخم میرزا سمیدخان مومتن المملک و وزیر امور خارجه دولت علیه ایران بموجب اختیار و اقتداری  
که از دولت علیه ایران دارند از یکجناب و رعیت روس باطومستونی پآچطنی غراژداتین استپان مارنیتچ لیا نازوف  
ناچر درجه اول حاجی ترخان از جناب خود این کندراخت قرارنامه را منعقد نمودیم »

ذیل قرارنامه را اشخاص مزبور امضاء کرده اند و مبر «وزیر امور دول خارجی دولت غلیه ایران میرزا سعید خان» و «کامران عبد شاه مهر سریر نایب السلطنه امیر کبیر» دیده میشود.

بعداً قرارداد شیلات با استپان لیانازوف و وراث او بر تپ زیر در موارد مختلف تمدید گردیده است.

در ماه ربیع الثانی سال ۱۳۰۶ هجری قمری باین مقدمه .

شهر دارالخلافه طهران دوازدهم ماه کاب سنه یک هزار و هشتاد و هشت ۱۸۸۸ مسیحی مطابق بیستم شهر ربیع الثانی سنه یک هزار و سیصد و شش ماز ذیل امضاء کنندگان و قول گذارندگان و کیل دولت علیه ایران جناب مستطاب اجل اکرم افخم میرزا عباس خان قوام الدوله وزیر امور خارجه دولت علیه بموجب اختیار و اقتداری که از طرف سنی الجواب اعلی حضرت قدر قدرت اقدس همایون شاهنشاهی کل ممالک ایران خلدالله ملکه و سلطانه دارند از یک جانب و رعیت روس باطومستونی غراژداین استپان مارتنیچ لیانازوف تاجر درجه اول حاجی ترخان از جانب خود این کندرخت را منعقد نمودیم .

موعد این قرار داد سال از اول اکتوبر ۱۸۹۰ و مال الاجاره سالانه « شصت هزار تومان پول قرانی ایرانی » در سه قسط و سایر شرایط مانند قراردادهای سابق.

در ماه ربیع الاول سال ۱۳۱۱ هجری قمری باین مقدمه

شهر دارالخلافه طهران بیست و پنجم سپتامبر ۱۸۹۳ مطابق بیست و ششم ربیع الاول ۱۳۱۱ ماز ذیل امضاء کنندگان و قول گذارندگان و کیل شاهنشاه ممالک ایران خلدالله ملکه و سلطانه حضرت اجل اعظم اشرف میرزا علی اصغر خان صدراعظم دولت غلیه ایران دام اجلاله العالی و رعیت روس تاجر درجه اول حاجی ترخان مستشارالتجار استپان مارتنیچ لیانازوف این کندرخت را بشرح ذیل منعقد و برقرار نمودیم .

موعد ده سال از اول اکتوبر سال ۱۹۱۱ میلادی

وجه اجاره هر ساله مبلغ بیست و چهار هزار نصف امپریال روسی که هر یک عدد آنرا از قرار بیست فرانک که جمعا چهارصد و هشتاد هزار فرانک طلای فرانسوی محسوب داشته باید کار سازی نماید .

هر یک از طرفین که موجب بهم زدن قرارداد بشوند باید بطرف مقابل مبلغ ششصد هزار فرانک طلا بپردازد سایر شروط مانند قرارداد سابق .

بعد از این ناصرالدین شاه بقتل میرسد و استپان لیانازوف فوت میکند . مظفرالدین شاه بتخت سلطنت جلوس مینماید ولی امین السلطان بصدارت باقی میماند و در تاریخ جمادی الاولی ۱۳۱۴ هجری قمری قرارداد شیلات را برای مدت پنجسال با گئورگی لیانازوف فرزند استپان لیانازوف تمدید میکند .

این قرار داد با مقدمه ذیل شروع میشود .

شهر دارالخلافه طهران - دهم ماه اکتوبر ۱۸۹۶ مطابق چهاردهم شهر جمادی الاولی سنه ۱۳۱۴ ماز ذیل امضاء کنندگان و قول گذارندگان و کیل شاهنشاه کل ممالک ایران خلدالله ملکه و سلطانه حضرت اجل اعظم اشرف میرزا علی اصغر خان صدر اعظم دولت غلیه ایران دام اقباله العالی و رعیت روس تاجر درجه اول حاجی ترخان باطومستونی پاچینی غراژداین غیورغی استپان و بیچ لیانازوف (۱) فیما بین خودمان این کندرخت را منعقد و برقرار نمودیم .

شرایط این قرار داد همان شرایط قرار داد سال ۱۳۱۱ میباشد و مدت پنجسال

(1) GEORGIY STEPANOVITCH LIANOZOV

بقرار داد سابق افزوده شد یعنی تا اول اکتوبر سال ۱۹۲۵ شیلات در اجاره لیانازوف خواهد بود .

مبلغ مال الاجاره «هر ساله از قرار معادل بیست و پنج هزار نصف امپریال روسی که هر یک عدد آن از قرار بیست فرانک طلا بوده باشد محسوب داشته هر ساله ادا و کار سازی» نماید .

ضمناً مقرر گردید «اگر چنانچه برای ترقی کل صیادی شیلات مسیو غیورغی لیانازوف بخواهد برای خود شرکاء قرار بدهد لهذا از این تاریخ به بعد مجاز و مختار است که هر وقت از اوقات لازم بداند از روی قانون مملکتی روسیه در انعقاد و دائر نمودن آن شرکاء مختار خواهد بود»

بطوریکه ملاحظه میشود قرار داد شیلات را قبل از آنکه موعد آن منقضی شود با گرفتن مبلغی تمدید میکردند . در ماه صفر ۱۳۲۴ هجری قمری بواسطه مضیقه مالی و بی پولی خزانه عین الدوله صدراعظم وقت قرارداد مخصوصی بشرح ذیل بانمایندگی قیمهای ورته گئورگی لیانازوف برای پیش گرفتن مال الاجاره پنج ساله شیلات منعقد میسازد

«قرارداد مخصوص»

«تهران ۱۷ صفر ۱۳۲۴ مطابق ۳۰ مارت ماه روسی ۱۹۰۶ امضاء کنندگان»

«ذیل صدر اعظم اعلی حضرت اقدس همایون شهریار خلدالله ملکه حضرت»

«مستطاب اشرف ارفع افخم و الا شاهزاده سلطان عبدالمجید میرزا عین الدوله»

«اتابک اعظم دامت شوکته و پاتومست و ننی دواریا نین بطر بطرو بیچ»

«دواسکر سنگی (۱) و کیل اوصیای گئورگی استپان و بیچ لیانازوف که بطور شایسته»

«مجاز و مختار بودند قرار داد ذیل را نمودند .

«ماده اول - وراث گئورگی استپان و بیچ لیانازوف تعهد میشوند که موافق»

«ذیل دولت غلیه ایران وجه الاجاره آبها تیرا که در آن صید ماهی می نمایند»

«از قرار ذیل بالمساعده پیشکی بدهند .

«الف - در تاریخ پانزدهم آوریل ماه روسی هده السنه ۱۹۰۶ مال الاجاره»

«سه ساله سنه ۱۹۰۷ و ۱۹۰۸ و ۱۹۰۹ را که عبارت از یک میلیون و سیصد و هشتاد»

«هزار فرانک باشد پس از کسر تنزیل از قرار صدی شش سالیانه بپردازند .

«ب - چهارصد و شصت هزار فرانک از بابت وجه الاجاره سال ۱۹۱۰ در غره»

«ماه دکابروس هده السنه ۱۹۰۶ داده شود .

«ج - از بابت وجه الاجاره سنه ۱۹۱۱ در پانزدهم آوریل ماه روسی سنه»

«۱۹۰۸ باید چهار صد و شصت هزار فرانک پرداخت شود و هر دفعه صدی شش»

«تنزیل سالیانه کسر گردد .

«ماده دوم - از طرف دیگر چون دولت غلیه ایران همیشه مراحم خود را»

«نسبت به تجار تفرغانه وراث لیانازوف ابراز نموده و حالا هم نمی خواهد امور»

«آنها را در آبهای اجاره شده مشوب نماید چنانکه تاحال این نکته مرعی بوده»

(1) Potomstvenniy Dvoriyanin PETR PETROVITCH VOSKRESENSKIY

«ماده سوم - دولت علیه ایران تمام حقوق وراثت گنورگی استیبا نو بیچ لیا نازوف»  
 «در آنکه مبتنی بر ماده چهارم کتوراتهای منعقد در ۲۵ ماه ستیابر روسی سنه»  
 «۱۸۹۳ مطابق ۱۶ ربیع الاول ۱۳۱۱ است بموجب این قرارداد تا کید و تا نید مینماید»  
 «ماده چهارم - وراثت گنورگی استیبا نو بیچ لیا نازوف بموجب این قرار داد»  
 «در ضایت خود را اعلام مینماید که اجرت مالهای مردان را که صید ماهی سوداگ»  
 «(اسپاک) نموده به وراثت لیا نازوف میدهند در هر هزار قطعه ماهی بیست قران»  
 «بر پنجاه قران حالیه اضافه نمایند که جمعا هفتاد قران بشود از غره آکتیابر سنه»  
 «۱۹۰۶ مسیحی از آنجا نیکه وراثت گنورگی استیبا نو بیچ لیا نازوف از الطاف دولت»  
 «اعلی حضرت اقدس همایون شهریاری نسبت به خود بسیار متحسنانند و از اجرای»  
 «تهداتی که دولت علیه قبول فرموده اند کمال تشکر را دارند چنانکه قرارداد حاضر»  
 «هم این نکته را ثابت مینماید لهذا وراثت مشارالیه مراتب تشکرات خود را»  
 «بدولت علیه اظهار نموده امیدوارند که در آتی نیز به اعمال مسالمت آمیز خود»  
 «همین طور توجه دولت علیه را نسبت بخود جلب و معطوف نمایند»  
 «این قرار داد در دو نسخه نوشته شده»

«این قرار نامه در سال یونت نیل ۱۳۲۴ در باغ گلستان نوشته شده صحیح است»  
 «این قرار نامه که موشح بصفحه مبارک ملوکانه است در دفتر وزارت امور»  
 «خارجیه ضبط شده و نسخه دیگر آن که بامضاء رسیده است بوکیل اوصیای»  
 «لیا نازوف داده خواهد شد شهر صفر المظفر ۱۳۲۴ یونت نیل محل مهر سلطان»  
 «عبدالمجید - محل مهر وزارت امور خارجه - در نمره ۲۳۵ ثبت دفتر محاکمات»  
 «وزارت امور خارجه شده است. فی ۲۷ شهر صفر المظفر ۱۳۲۴ محل امضاء»  
 «واسکر سنسکی - محل تصدیق و مهر سفارت روس»

لغو قرارداد  
 شیلات  
 در سال ۱۹۱۷ بواسطه انقلاب اکبر و ممنوع شدن  
 حمل پول طلا از روسیه وراثت لیا نازوف نتوانستند مان الاجاره  
 را بموقع پرداختند و بالاخره مشار الملک وزیر مالیه در ۱۲

خرداد ۱۲۹۷ شمسی (۱۷ ژوئن ۱۹۱۸ - ۲۱ شعبان ۱۳۳۶ هجری قمری) قرار داد را لغو  
 میکند. در ۲۴ خرداد ۱۲۹۸ شمسی (۱۳ ژوئن ۱۹۱۹ - ۱۴ رمضان ۱۳۲۷ هجری قمری) شیلات  
 بحر خزر بضمانت تجارتخانه تومانیانس به شخصی بنام کریگور بطرویچ و انتیتسف تبعه  
 روس بیست ساله اجاره داده میشود که همه ساله نصف عایدات خالص مطابق دفتر مستاجر  
 متعلق بایران باشد بعلاوه سال اول یکصد هزار تومان سال دوم یکصد و پنجاه هزار  
 تومان سال سوم دویست هزار تومان سال چهارم دویست و پنجاه هزار تومان و سال پنجم  
 سیصد هزار تومان و از سال ششم بیصد هزار تومان بدولت ایران بدهد.  
 و انتیتسف چون نتوانست بشرايط اجاره نامه رفتار کند این قرارداد نیز در تاریخ  
 ۱۲ اردیبهشت ۱۳۰۰ شمسی (۲ ماه مه ۱۹۲۱ - ۲۳ شعبان ۱۳۳۹ هجری قمری) لغو و اموال و  
 دارائی شیلات در مقابل طلب دولت توقیف گردید.



« لهذا برای توضیح و تصریح کتوراتهایی که در ۲۵ سپتامبر ماه روسی سنه»  
 «۱۸۹۳ مسیحی مطابق ۲۶ ربیع الاول ۱۳۱۱ بتوسط استیبا نو بیچ لیا نازوف بمدت»  
 «بیست سال و در دهم ماه اکتابر روسی ۱۸۹۶ مطابق ۱۴ جمادی الاولی سنه»  
 «۱۳۱۴ بتوسط گنورگی لیا نازوف بمدت پنجسال دیگر منعقد شده بموجب این»  
 «قرارداد دولت علیه ایران متعهد میشود که بدون رضایت وراثت گنورگی استیبا نو بیچ»  
 «لیا نازوف کتوراتهای مزبور را فسخ ننماید»



از همان هنگامیکه قرارداد وراثت لیانازوف لغو گردید مکرر در خلال این مدت بدوکت ایران شکایت و اعتراض می نمودند و جبران خسارات خود را تقاضا می کردند و عاقبت قرار میشود اختلاف بین دولت ایران و ورثه لیانازوف به حکمیت مراجعه شود.

در سال ۱۹۲۰ مرحوم ذکاءالملک فروغی رئیس وقت دیوان عالی تمیز و مرحوم دکتر ولی الله خان نصر رئیس وقت ثبت اسناد و مرحوم حاج سید نصرالله تقوی مدعی العموم وقت دیوان عالی تمیز حکمین دولت ایران و از طرف وراثت لیانازوف نیز دو نفر روس حکم تعیین میشوند.

بعد از رسیدگی حکمها علیه دولت ایران رای میدهند و قرار میشود بهره برداری از شیلات تا پایان مدت (هشت سال بقیه) متعلق به ورثه لیانازوف باشد و برای جبران خسارت هفت سال دیگر نیز اضافه بر آن قرارداد تمدید گردد.

\*\*\*

فصل چهاردهم عهدنامه دوستی ایران و اتحاد جماهیر شوروی مورخ ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ (۱۶ اسفند ۱۲۹۹) مقرر میدارد.

«بمقتضای اهمیت شیلات ساحل بحر خزر برای اعانه روسیه دولت ایران پس از انقضای اعتبار قانونی ایالات فعلی خود نسبت به شیلات مزبور حاضر است که با اداره ارزاق جمهوری اتحاد شوروی روسیه قرارداد دایر بر باب سید ماهی با شرایط خاصی که تا آن زمان معین خواهد شد منعقد نماید.

همچنین دولت ایران حاضر است که با دولت شوروی روسیه داخل مطالعه مسائلی که حالیه نیز در رسیدن موقع شرایط مذکور در فوق امکان رساندن شیلات مزبور را به روسیه در نظر ادارات ارزاق جمهوری اتحاد شوروی تعیین نماید بشود.

پس از انعقاد عهدنامه مزبور برای طرز اجرای فصل چهاردهم آن کمیسیون مرکب از نمایندگان ایران و شوروی تشکیل میگردد ولی این کمیسیون نمیتواند تصمیمی اتخاذ نماید زیرا شورویها پیشنهاد اجاره شیلات را می نمودند و دولت ایران میخواست که یک شرکت ایرانی و روسی با سرمایه مساوی جهت بهره برداری شیلات تشکیل شود و چون بامذاکراتی که بین طرفین بعمل می آید نتیجه ای حاصل نمی گردد در تاریخ ۱۵ میزان ۱۳۰۰ شمسی (۶ صفر ۱۳۴۰ هجری قمری - ۸ اکتوبر ۱۹۲۱) نمایندگان شوروی در ایران تقاضا میکنند که تا اتخاذ تصمیم قطعی قرار موقتی داده شود که محصول شیلات را بآنها بفروشند و دولت ایران نیز با این تقاضا موافقت و بموجب تصویب نامه مورخ ۲۸ حوت ۱۳۰۰ شمسی (۲۰ رجب ۱۳۴۰ هجری قمری - ۲۰ مارس ۱۹۲۲) هیئت دولت اجازه میدهد که محصول شیلات بقیمت عادلانه بشورویها فروخته شود.

در سال ۱۹۲۲ ورثه لیانازوف که بسبب بلوغ رسیده بودند ما ترک لیانازوف را بموجب تقسیم نامه مورخ ۲۴ آبان ۱۳۰۱ (۱۶ نوامبر ۱۹۲۲) بین خود قسمت نمودند و در تاریخ دهم اوت ۱۹۲۳ مارتین لیانازوف یکی از وراثت سهم خود را که عبارت از شیلات واقع در انزلی و خلیج انزلی و آستارا و در ساحل دریای انزلی تا آستارا بود با قطعات زمین و ابنیه منجمه جزایر کولان کودای کوچک و کولان کودای بزرگ و وسائل حمل و نقل و مصالح و ذخائر و آلات صید و غیره بداره مؤسسات صیادی دولت اتحاد جماهیر



مارتین لیانازوف

شوروی واگذار نمود.

دولت شوروی که در اینوقت مالک حقوق ورثه لیانازوف بود و قرار موقت را برای اجرای فصل ۱۴ عهدنامه دوستی سال ۱۹۲۱ کافی نمیدانست مکرر از دولت ایران میخواست که اقدام جدی برای اتخاذ تصمیم قطعی در این مورد بعمل بیاید و سرانجام در اول اکتوبر ۱۹۲۷ (مهرماه ۱۳۰۶ شمسی) قرار دادی در ۲۱ ماده منعقد و بضمیمه پنج صورت مجلس و پنج مراسله در مسکو بین ایران و شوروی مبادله میگردد. بموجب ماده اول این قرارداد امتیاز بهره برداری از شیلات بحر خزر بیک شرکت مختلط ایران و شوروی واگذار گردید.

بموجب ماده دوم حدود این امتیاز همان حدود شیلاتی است که سابقاً به برادران لیانازوف داده شده بود باستثنای دهانه رودخانه های سفید رود بابل در مشهدسر - کرگان و شعبه آن قره سو - مدت این امتیاز بیست و پنج سال از روز مبادله اسناد مصوب خواهد بود. پس از خاتمه مدت، تعهدات دولت ایران ناشیه از فصل ۱۴ عهدنامه دوستی فوق الذکر خاتمه یافته محسوب میشود و اگر دولت ایران نخواهد امتیاز مزبور را تجدید نماید شرکت مزبور منحل خواهد شد و اداراتی آن بغیر از اراضی که متعلق بایران است بین طرفین بطور مساوی تقسیم میگردد و دولت ایران متعهد است که در صورت عدم تجدید قرارداد تا مدت بیست و پنج سال یعنی تا سال ۱۹۷۷ میلادی شیلات بحر خزر را به مالک دیگر یا اتباع آنها واگذار ننماید و نیز متخصص بیگانه برای اداره شیلات استخدام نکند.

سرمایه طرفین در شرکت شیلات متساوی بود و شرکت باید بسایت حق الامتیاز هشتصد هزار ریال با اضافه پانزده درصد از عایدات خالص خود را بدولت ایران بدهد و بقیه منافع خالص باالمنافسه بین طرفین تقسیم میگردد .

هیئت مدیره شرکت که مقر آن در تهران بود از شش نفر که سه نفر از طرف دولت ایران و سه نفر از طرف دولت شوروی تعیین میشدند تشکیل می یافت

امتیاز شرکت مختلط شیلات ایران و شوروی در تاریخ شنبه ۱۱ بهمن ۱۳۳۱ شمسی (۳۱ ژانویه ۱۹۵۳) پایان یافت و چون دولت ایران از تجدید قرار داد خود داری نمود انحلال آن اعلام و قرار است داری شرکت مطابق شرایط قرار داد سابق بین طرفین تقسیم گردد .



## قزاقخانه

ایجاد قزاقخانه را در ایران باید یکی از اشتباهات بزرگ ناصرالدین شاه و میرزا حسین خان سپهسالار دانست .

در سال ۱۲۹۵ هجری قمری هنگامی که ناصر الدین شاه برای بار دوم بارو یا میروود وضع ارتش روس مورد توجه او واقع میگردد مخصوصاً پس از دیدن رژه عده ای از سپاهیان روسیه در میدان «شانت دومارس» بطرز بورغ هوس میکنند که با همان روش سربازانی در ایران تربیت نماید .

سپهسالار بواسطه دلتنگی که از انگلیس ها داشت و تمایلی که سیاست روسها پیدا کرده بود این فکر را در «شاه» تقویت و تصمیم میگیرند عده ای از افسران روسی را بایران آورده قزاقخانه را تشکیل دهند و بالاخره در سال ۱۲۹۶ برای اولین بار قراردادی بین دولت ایران و یک دسته از افسران روسی بریاست ژنرال دوموتویچ منعقد میگردد . در هنگام سفر اروپا در اطریش نیز عده ای افسر برای تربیت ارتش ایران استخدام نمودند ولی این دسته نتوانستند مدت زیادی در این کشور توقف نمایند و بزودی متفرق شدند .

### لرد کرزن راجع بآمدن صاحبمنصبان روسی بایران مینویسد

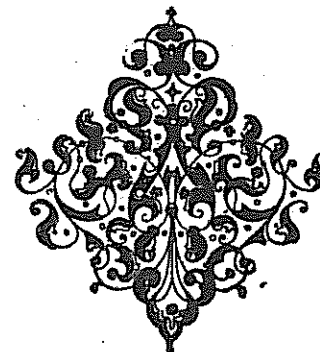
مقارن همان اوقات که صاحب منصبان اطریشی بایران آمدند يك عده از صاحبمنصبان روسی نیز بیابنخت ایران وارد شدند که نفوذ دولت امپراطوری روس را در ایران توسعه دهند و قشوی در این کشور ترتیب بدهند که فرم و اسلحه و تعلیمات قزاقهای روسی را داشته باشند .

کلنل دوموتویچ (۱) که یکی از صاحبمنصبان تعلیم یافته ژنرال ترکو کاسوف (۲) زورجنکهای ترا که شرکت کرده بود باینچ نفر صاحب منصب دیگر برای تشکیل قزاقخانه بطهران وارد شدند البته کار روسها از حیث تعلیم و مشق قزاقان ایرانی خیلی خوب پیشرفت نمود .

دروهله اول یکپزار تفنگ بردان یا بردانکه که قیمت هر يك سه لیره بود و دو بطاری توپخانه سحرانی بدون اخذ قیمت از طرف امپراطور روس که دوست پادشاه ایران بود بشاه ایران هدیه شد شمشیرهای این عده قزاقان در خود ایران هردانه به دوازده قران و نیم ساخته و آماده گردید و این دسته در لباس و تعلیم مانند قشون غربی بودند و پادشاه ایران بخوبی می توانست بداشتن چنین لشگری که درست مطابق قزاقان قفقاز و نمونه آنها بودند بخود بیاند .

در این تاریخ ( ۱۸۹۱ ) عده قزاقهای ایرانی بالغ بر سه فوج است و اسماً هر فوجی ششصد نفر که جمعا هزار و هشتصد نفر میشوند ولی در حقیقت تمام دو فوج هستند که هر فوج ششصد نفر و مجموعاً هزار و دویست نفر میشوند و اگر اینها را سه فوج فرض کنیم باید گفت که هر فوج بالغ بر چهار صد نفر خواهد بود .

صاحب منصبان روسی عبارتند از يك سرهنگ و ۴ نفر سروان يك نایب و ده نفر گروهان ولی هنگامیکه من در طهران بودم عده این صاحب منصبان کمتر بود یعنی یک نفر سرهنگ يك نفر سروان يك نایب و شش نفر



گروهان و در این سالهای اخیر تصمیم گرفته شده که يك فوج نیز باین عده علاوه کنند و نفرات آنها از کردها و تیموریها و سایر طوایف سرحدات شمال شرقی خواهند گرفت .  
 تعداد افراد قزاق بتدریج افزایش میافتد و بعد شعباتی از قزاقخانه در شهرهای تبریز و اصفهان و مشهد و بار فروش ورشت تاسیس گردید .  
 مخارج يك بریگاد قزاق که مرکب از ۵۴ نفر صاحب منصب و گروهان و ۶۰۰ نفر تاین بوده از روی بودجه ای که برای یکسال از نهم مارس ۱۸۸۲ تا نهم مارس ( روسی ) ۱۸۸۳ مطابق عید نوروز ۱۲۹۹ تا عید نوروز ۱۳۰۰ هجری قمری تهیه شده بشرح ذیل بوده است .

- ۱ - مواجب عده مزبور ۲۸۰۳۶۷/- تومان
- ۲ - جیره برای ۶۰۰ نفر تاین ۸۷۶۰/- تومان
- ۳ - علیق یکساله اسبها ۱۵۵۰۰/- تومان
- ۴ - قیمت لباس ۶۰۰ نفر ۴۳۵۰/- تومان
- ۵ - هفت نفر هفت تومان و دوهزار و پانصد دینار ( هر نفر هفت تومان و دوهزار و پانصد دینار )
- ۵ - تعمیرات ابنیه قزاقخانه ۸۰۰/- تومان
- ۶ - سوخت چراغ ۶۰۰/- تومان
- ۷ - مخارج اردو ۴۰۰/- تومان
- ۸ - مخارج متفرقه ۱۰۰۰/- تومان

جمع ۵۹۴۴۶/- تومان

۹ - مواجب صاحب منصبان و علیق آنها ۷۰۹۰/- تومان

جمع کل ۶۶۵۳۶/- تومان

این مخارج بتدریج زیاد میشد بطوریکه بودجه قزاقخانه در سال ۱۳۲۴ قمری مطابق صورتی که روزنامه تمدن در شماره ۱۶ مورخ ۲ ربیع الثانی ۱۳۲۵ درج کرده و پرفسور ادوارد برون در کتاب انقلاب ایران و آقای جمال زاده در کتاب گنج شایگان نقل نموده اند بالغ بر ۲۳۰۱۰۲ تومان شده است و در سالهای بعد این مبلغ تا چند برابر افزایش یافته است .

تاسیس قزاقخانه با آن ترتیبی که در ایران دایر شد باید یکی از امتیازاتی که بروسها داده شده است دانست . این خبط بزرگ سالها اسباب زحمت و درد سر کلی برای دولت و ملت ایران فراهم ساخته بود .

قزاقان در حقیقت قوه اجرائیه و نیروی نظامی سفارت روس و عمال تزاران بودند و بانواع اقسام مختلف در کلیه اموردخالت های ناروا میگردیدند .

امران روسی هر چند ظاهراً مستخدم دولت ایران و از بودجه این ملت حقوق می گرفتند ولی مستقیم و غیر مستقیم تحت فرمان فرمانفرمای قفقاز و سفارت روسیه قرار داشتند و عملیات بی رویه و خلاف انسانی قزاقان داستانهای دلخراشی است که متأسفانه

در اینجا مجال شرح آنها نیست و نمونه آن ، رفتار ظالمانه ایخوف در محو آزادی و جنبش مشروطیت و توپ بستن مجلس شورای ملی و کشتن آزادیخواهان ایران است که در تاریخ مشروطه شرح آن داده شده است .

مجله کاوه در شماره ۴ مورخ ۸ جمادی الاولی سال ۱۳۲۴ هجری قمری مقاله ای را جرم بقزاقخانه در ایران نوشته که برای مزید اطلاع خوانندگان متن آنرا در اینجا نقل مینمایم .

« قزاق ایران »

فوج قزاق ایرانی یکی از بلا یا و بدبختیهای ایران است که کسی نیست نمرات تلخ آن شجره خبیثه را که ناسرالدين شاه کاشت مسبوق نباشد .

این دسته دشمن داخلی در سال ۱۲۹۶ قمری بعد از عودت ناصرالدين شاه از فرنگ ایجا شد . مشارالیه در قفقاز و ایروان از لباس نظامی و ترتیب قزاق روس خوش آمده خواست که برای کشیک مخصوص خود دسته قزاقی بترتیب روسی تشکیل دهد و بدین جهت چهار صاحب منصب و پنج نفر صاحب منصب جزء روسی بزمسب خواهش وی مامور تشکیل یکمده قزاق پانصد نفری در رکاب مبارک ، شدند قرارداد منعقد میان صاحب منصب اول روس قزاقخانه که درجه سرتیپی داشت و دولت ایران حکم و اختیار قشون مزبور را منحصر بشخص پادشاه میکرد و بدینواسطه از قوای نظامی دولتی مجزا میشد .

اولین سرتیپ روسی مامور تشکیل قزاق ایرانی دومونویچ فقط پانصد نفر قزاق میبایست تشکیل بدهد بعدها بتدریج قزاقخانه از حیث عدد و مخارج سالیانه و بالخصوص اختیارات و امتیازات متصل و متعلقات میگرفت . در عهد وزارت جنک آقا وجیه سهساله سرتیپ روسی قزاقخانه بعنوان قوای و قواعد نظامی يك جزوه قانون نامه نوشته دست خط وصحه همایونی را به مجری بودن آن تحصیل کرد این فصول راجع به ترتیب قزاق مزبور دارای اختیارات زیاد و حقوق متمددی بود برای صاحب منصب روسی از عزل و نصب و انجم دادن و اخراج و تنبیه و غیره و اگر چه آنها به موجب فرمان بر قرار شده بود و جزو مواد يك قرار نامه میان ایران و روس یا صاحبمنصب مزبور نبود باوجود براین باز آنها را همیشه مجزا داشته و حق دولت ایران را در نسخ یکی از آن مواد قبول نکردند در ایام مشروطیت ایران هر صاحبمنصب ایرانی قزاقخانه که با ملتیان و آزادی طلبان همدردی داشت و بخیل قلبی روسها مخالف بود فوراً عزل و اخراج میشد و این قهره سبب این شد که در قزاقخانه فقط بدترین اشخاص ایرانی فرمایشیه و فاسد بمانند و آن فوج خلاصه شرارت و خیانت باشد هیچ وقت از عده و عدد قزاقخانه اطلاعی صحیح بخارج و حتی بخود اولیای دولت نمیدادند .

در مخارج و افزودن و کاستن عدد و مقدار ذخیره و اسلحه آزاد بودند و گاهی گفته میشد که عده قزاق خیلی بیشتر از حد معلوم است .

در اواخر عهد مظفرالدين شاه سالی قریب سیصد و شصت هزار تومان از دولت میگرفتند در عهد دوره استبدادی محمد علی شاه بيك کرور بالارفت در گرفتن پول محتاج دولت ایران حواله وزیر مالیه نمودند .

بموجب قرار داد استقراض روس ۱۳۱۷ باید که تمام عایدات گمرکات شمالی ایران مستقیماً بصراقخانه روس ( بانک استقراضی در ایران برسد و او پس از وضع اقساط استقراض باقی را بدولت ایران رد کنند .

در اینصورت ریش دولت پیش صراقخانه روسی که شعبه وزارت مالیه روس در ایران است گیراست سرتیپ روسی در سر موقع مخارج لازمه را که خود ضرور می بیند بدون مشورت احدی از صراقخانه مزبور بعنوان قرض میگرداند اداره نیز آن وجه را بانتریل بحساب دولت آورده از پول دولت که پیش اوست اخذ میکند .

عده قزاق رسماً يك فوج سواره ( بریگاد ) مرکب از ۱۶۰ سواره و پیاده بود لکن بنا بر اطلاعات اخیر گویا به پنج هزار و پانصد نفر مرکب از چهار فوج سواره و دو گروهان پیاده و دو باطری توپ کوهستانی و دو

قطعه توپ مسلسل روسیه برده است بعد از دستبرد مشروطیت در ۱۳۳۰ دولت روس در جزو امتیازات زیادی که در زیر تهدید از حکومت انوقت تحصیل کرد یکی هم تشکیل يك قزاقخانه ایرانی تازه بود در تبریز. مرکب از هشتصد نفر بود که بدین ترتیب میخواستند کم کم شعب این اداره را در ولایات شمالی بتدریج برقرار کنند ضدیت شدید و کارشکنی جدی که روسها برای پیشرفت قزاق سوارانی جدید میکردند بیشتر برای آن بود که بجای آن قوه قزاق ایرانی بنا کنند قزاق ایرانی همیشه بر خلاف ملت ایران و مقاصد ملی حرکت کرده و آلت دست دشمن بوده است.

توپ بتدی مجلس ملی در ۱۳۲۶ بدست لیاخوف و قزاقهای او چنگ قزاقها بعد از آن با ملتیان در تبریز و قزوین و سایر نقاط و آلت استبداد وجود شد نشان در تهران مردم را از این دسته بیدر متنفر کرد و اصلاح آنرا اولین آمال ملی میشمردند در ورود مشروطه طلبان بطهران و عزل محمد علیشاه از سلطنت یکی از شرایط تسلیم شدن قزاقها بمجاهدین تنهد کتبی صاحبمنصبان قزاقخانه بود باطاعت از دولت و وزیر چنگ که باز بعدها هیچ عمل بآن تهدید نکردند.

اینک روزنامه‌های طهران خبر میدهند که اولیای دولت ایران مصمم بر افزودن عده قزاق شده و حکم داده تا شماره آنها برده هزار نفر برسانند معلوم است که این اقدام يك بنائی است برای تشکیل يك قشون ایرانی برای روس در ایران و مخصوصاً برای تخریب بنائی قزاقسوران ملی دولت روس از ابتدای دخول ترتیب قشون نظامی در ایران در عهد فتاحی شاه؛ امروز همه وقت در هر جا برای جلوگیری از پیدا شدن قشون ملی کارشکنی کرده و با انواع دسایس و زور و زور بهم زده است هیئت معلمین انگلیسی را با سازش با انگلیسها در عهد عباس میرزا در نود سال پیش بهم زد هیئت معلمین اطریش را با هزار دسیسه پریشان نمود قوای نظامی ظل السلطان را بدسایس شاهزاده دالکاروکی و فتح يك امین السلطان درهم شکست قوای قزاقسورانی شوستر را با زور امریکائیان پاشیده کرد اینک قوای نظامی قزاقسورانی تازه را هم بسخت گیری مالی و کارشکنی بر ضد صاحب منصبان سرلندی بر انداخته و میاندازد.

## ۵ دعاوی روسها بعد از افتتاح رود کارون

### توسعه نفوذ انگلیسها

بعد از آنکه سردرومندولف وزیر مختار زبردست انگلستان در سال ۱۸۸۷ مامور دربار ناصرالدین شاه میگردد و مخصوصاً بواسطه روش «انگلیسی مآبانه» امین السلطان و وزیر اعظم و

روابط صمیمانه‌ای که بین این دو نفر برقرار میشود نفوذ دولت انگلستان در دستگاه دولتی ایران بمنتهای شدت خود میرسد و چنانکه دیدیم بعد از مدت تقریباً پنجاه سال کوشش که انگلیسها برای باز شدن رود کارون بعمل میآوردند و موفق بانجام آن نمی شدند عاقبت در تاریخ ۲۴ صفر ۱۳۰۶ هجری قمری فرمان آزادی کشتیرانی در رود کارون را تحصیل میکنند و سه ماه بعد از آن امتیاز نامه بانک شاهنشاهی را با امضای ناصرالدین شاه برسانند و باین ترتیب ادعای رویتر و اختلاف بین ایران و انگلیس که قریب هفده سال طول کشیده بود پایان مییابد و مقدمات سفر مجدد ناصرالدین شاه بانگلستان تهیه میگردد.

البته در خلال این جریان صحبت‌های دیگری برای اعطای امتیازات دیگر با اتباع انگلیس نیز گاه و بیگاه بمیان می‌آید که روسها توسط عمال خود کسم و بیش از آن آگاه میشدند.

بدیهی بود که روسها هیچوقت ساکت نخواهند نشست که این حوادث را فقط تماشا نمایند و چیزی نگویند و انگلیسها هم تمام بازارهای تجارتهای ایران را منحصر به ال‌التجاره خود کنند و نفوذ سیاسی خویش را بیش از پیش توسعه بخشند. گویا امتیاز رویتر در سال ۱۸۷۲ ناصرالدین شاه را متنبه نکرده بود و با گذشت زمان تجربیات تلخ آن را از خاطرش برده بود بهرحال با دسیسه‌های لوفوزیر مختار انگلیس و بدستگیری امین السلطان فرمان آزادی رود کارون و امتیاز ایجاد بانک شاهنشاهی را امضاء کرد.

### نارضانی روسها

از همان هنگامیکه روسها از این جریان مطلع شدند جدا شروع بمخالفت کرده و دولت ایران را تحت فشار گذاردند.

از طرف دیگر روزنامه‌های روسیه حملات شدیدی بایران کردند و هر يك برای مجازات دولت ایران پیشنهادی مینمودند که قبلاً نیز دو بخش دوم قسمت سوم صفحہ ۱۷۳ اشاره‌ای بآنها شد و اینک در اینجا ترجمه مقاله دیگری از آن روزنامه‌ها را با عباراتی که

در همان موقع ترجمه شده نقل مینمایم .  
روزنامه روسی «نوی وریمیا» (عصر جدید) چاپ بطرز بورغ در شماره مورخه ۲۷ نوامبر سال ۸۸۸ مینویسد .

« کار ما با ایرانیها از ترتیب وقاعده ممکن نیست خارج شود روس با قدرت کامل »  
« خود در امور اتیکه راجع باوست در ایران مجری خواهد کرد این مطالب موافق تواریخ »  
« سابقه باوصیت شده است و انجام اینکارها برای سلطان مقتدری مثل روس سهل و آسان »  
« است ممکن نیست که بتوانیم خودمان را از اضی کنیم که انگلیس بر ما مقدم باشد و برتری »  
« بجوید اگر بخواید انگلیس در ایران بر ما مقدم شود اسباب ملالت و تاسف ما خواهد »  
« شد مسافت ما با ایران و بهمه املاک و مخلوق آنجا یکبزار و پانصد ورس است »  
« از یکصد و پنجاه سال قبل الی حال ایران قدرت مارا فهمیده و دولت روس هم »  
« با دولت ایران بدوستی و خصوصیت ثابت و برقرار بوده است تا قدرت انگلیس از آنجا »  
« زایل نشود مادر حق این دولت کوچک بی قدرت بدگمان خواهیم بود از برای ما »  
« ممکن است بدون زحمت از عهده این کارها بیرون بیاییم اگر درست ملاحظه کنیم »  
« در ایران مثل سایر ممالک مجلس غوررسی ندارد و قدرت تجارشان چندان نیست و دادرس »  
« هم یافت نمیشود و مادر مملکتی که حق تحکیم را داریم خواهش نخواهیم کرد و دیگر »  
« آنکه ما پادشاه و امنای دولت او در نهایت احترام حرکت کرده ایم و خیلی هم زحمت »  
« کشیده ایم اگر دیپلوماتهای ما دوستانه کارهای خودشان را اصلاح نکنند و با احترام »  
« از پیش نبرند با قوت و قدرت خود از پیش برده و انجام خواهند داد . »  
« مشهد و تبریز و بار فروش از حدود روس دور نیست قبل از اینکه بخواید »  
« انگلیس کمک و امداد کند این شهرها تصرف خواهد شد چرا باید خیال کرد که »  
« انگلیسها در مقابل ما کمپانی تازه در طهران باز کرده اند و نباید ملاحظه کرد »  
« مثل سردروماندولف که خود را دیپلومات عاقل و کار آگاه و بصیر میدانند و از »  
« کارهاییکه کرده است مقصود خود را بعمل خواهد آورد اگر چه این فقرات را »  
« تلگرافا مطلع شده ایم خواهیم دید نتیجه این تمارفات او را روس بدون هیچ ملاحظه »  
« و احتیاط در سر حرف خود ایستاده با ایران حکم خواهد کرد . عهدنامه ای که در »  
« سنه ۱۸۸۱ (منظور عهد نامه خال و خراسان که برای تعیین حدود بین ایران و »  
« روسیه منعقد گردیده است) بسته شده مجری نمایندولی باید سعی و جاهد باشد که »  
« نتیج آنجا بدعاقت نشود مامورین روس در ایران نسبت بسابق باید بیشتر باشند »  
« و لازم میدانیم که در همه سرحدات ایران اگنت (نماینده) بگذاریم حتی در کنار »

**НОВОЕ ВРЕМЯ**

№ 9105

С. ПЕТЕРБУРГЪ, СРЕДА, 12-го (24-го) ІЮНІ 1901 ГОДА.

№ 9105

روزنامه نیم رسمی «نوی وریمیا» (عصر جدید) ناشر افکار  
دولت تزاری روسی که بر بان روسی در بطرز بورغ چاپ  
میشد راجع بایران مقالات زیادی مینوشت

« رودخانه ها و این اگنتها هم باید اشخاص تربیت شده و حکما روس باشند بجهت »  
« اینکه روسها در امر دیپلومات خاطر جمع ترند و ممکن نیست جنرال قونسول »  
« مشهد مسلمان باشد امروز این مقدمه را روزنامه گزاف دانین میگویند باید راههای »  
« طهران و مشهد بخاک روس متصل بشوند بجهت سهولت در عبور و مرور در اینکار »  
« هر چه زودتر اقدام شود بهتر خواهد بود آنچه لازمه انگلیس است خواهد فهمید »  
« که او مثل روس با ایران دسترسی ندارد و باو افغانستان را وامیگذاریم ولی نخواهیم »  
« گذاشت با بایران بگذارد و او هم راضی نخواهد شد در این موارد خود را ذلیل کند »  
« زیرا خاک ایران نزدیکتر است باحاطه و تصرف روس - دولتی که قادر بر هیچ »  
« نباشد قیمی مثل روس باو لازم است نه انگلیس مدت زمانی نیست که انگلیسها »  
« از هزار ورس با بنظر از هندوستان آمده که سرحدات مارا با افغانستان تعیین »  
« کنند و از این بابت میخواستند اوقات را بر ما تلخ کنند که مامورین دولت مخفی »  
« آمده اند برای محافظت سرحدات اما آمدنشان بیحاصل بود ما هم لازمه احترام را با آنها »  
« کرده و از خضرات دائمی هندوستان آنها را آسوده کرده با آنها و گذار کردیم آنچه »  
« را که توانستیم ولی حالا کارطوری گردیده است که ما بیشتر قدرت داریم بایران نه »  
« انگلیس در افغانستان این مسئله را باید انگلیس ملتفت شود و الا ممکن است »  
« بحالت سابق خود برقرار باشد . »

مقارن این احوال دالگورکی وزیر مختار روس در تهران نبود . شارژ دافر سفارت  
روس در تهران برای خنثی کردن عملیات انگلیسها شدیداً بقمالت پرداخت و بناصر الدینشاه  
و امین السلطان پیغام داد که رفتار دولت ایران نسبت بروسیه خصمانه میباشد و دولت روس  
برای حفظ امنیت کشور خود با اقدامات شدیدی دست خواهد زد . جریان ملاقات و مذاکراتی  
را که شارژ دافر سفارت روس با امین السلطان بعمل می آورد قوام الدوله وزیر امور خارجه  
در نامه ی بعنوان ملکم وزیر مختار ایران در لندن شرح داده و متن آن قبلاد در صفحه ۱۷۰  
نقل گردیده است .

ناصرالدین شاه و امین السلطان که تهدیدات روسها را مشاهده مینمایند سخت  
بوخت افتاده و در پی چاره میگردند و با ولف وزیر مختار انگلیس در این باب  
مشورت میکنند .

دالگورکی وزیر مختار روس با آنکه برای استفاده از مرخصی چندین ماهه خود  
به بطرز بورغ رفته بود بواسطه جریان مخالف منافع روسیه در او اسط ماه جادی الثانیه سال ۱۳۰۶  
هجری قمری (فوریه ۱۸۸۹) با عجله بتهران می آید و در همان روز ورود بتهران با امین  
السلطان وزیر اعظم ملاقات میکند .

دالگورکی امین السلطان را تهدید میگرد که اگر دولت ایران فوراً روش خود را  
تغییر ندهد و در صدد جبران این موضوع بر نیاید روابط دولتی قطع میشود و از ایران  
خواهد رفت و مسئول پیش آمدهای بعدی اولیاء دولت ایران هستند .

ناصرالدین شاه که در این موقع باعلاقه خاصی مشغول تهیه لوازم سفر اروپا بودنی

توانست این تهدیدات را نادیده انگاشته و راه اروپا را پیش گیرد زیرا گذشته از آنکه روسها و از راه روسیه نمی گذاردند با اروپا برود چگونه میتوانست از حوادثی که ممکن بود باین ترتیب در غیاب او روی دهد این باشد. باین جهت بامین السلطان دستور میدهد که هر طوری هست رضایت دالگور کی را جلب نماید.

اعتماد السلطنه در کتاب خلسه خود از قول امین السلطان راجع باین

موضوع مینویسد.

« این وقت دالگور کی سفیر روس هم از طرف دولت متبوعه خود تعلیمات خیلی سخت داشت همان روز ورود بامن ( یعنی امین السلطان ) ملاقات نمود و گفت باینقرار نامه انگلیس باید پاره شود یا باید منتظر آمدن فئودن روس به ایران بشوید و هیچوجه بمخیله شما خطور نکند که ما از راه ممالک روس بگذاریم شاه باندن برود من در جواب دالگور کی متحیر ماندم که روس دشمن قوی و از سه طرف همسایه راه رفتن بفرنگ مسدود امتیاز جدید روتسرس گرفته چه خاکی باید سر ریخت غری غرویج صاحب ( مترجم اول سفارت روس ) هم اگر چه به مسیو پوجیو شارژ داف بی حال روس که سابقا ذکر می نمود ایشان شده مسلط است اما در نظر دالگور کی بقدر سگ عظم ندارد لابد شب دیگر مداز مشورت باولف سفیر انگلیس پاسی از شب گذشته متکتر ادر کالسکه نشسته قانونهای کالسکه را خاموش کرده بی خبر سفارت روس رفته بردالگور کی وارد شده و دست و پای او را بوسیده و بر او از مرگ لجاجت فرود آورده بعد از آنکه نرم و ملاطفت شچاره کار را از او خواستم دالگور کی يك كلمه فارسی نمی دانست شگفت نامی مترجم داشت سؤال و جواب مارا ترجمه مینمود ابتدا دستم را بدست دالگور کی دادم هر چه خواست اشتلم کرد بدستور العمل و اف من ساکت و حیرت زده باو نگاه کردم و تبسم مینمودم همین که از جوش و خروش فرو نشست و حرفش تمام شد گفتم چه عیب دارد مادر عوض امتیاز بانکی که بانگلیس دادیم و علی العجله چندان فایده بحال قدرت دولت انگلیس در ایران ندارد بشما امتیازات دیگر میدهم و شما فوراً بر قدرت متزلزل خود ایران قوت و استحکام دهید و بیشتر از پیشتر نماینده دالگور کی گفت مثل چه گفتم هر چه بخواهید جواب مرا بمجلس دیگر انداخت این تاخیر و تمویق اسباب امیدواری من گردید فهمیدم میخواهد از دربار پترسبورغ استیضای نماید و اجازه حاصل کند خلاصه بعد از چند روز دالگور کی بمنزل من آمد و گفت ما امتیاز راهی از اتزلی بطهران را میخواهیم که ابتدا آنرا هموار نموده بعد راه آهن بکشیم گفتم دادیم و دیگر چه میخواهید گفت اختیار کشتی رانی در تمام رودخانهایی که در خاک ایران است و بدریای خزر میریزند از مصب تا منبع گفتم دادیم دیگر چه میخواهید گفت سند معتبریکه بعد ما هر امتیازی بسایر دول و ملل میخواهند بدهند از هر قبیل باشد اول از ما اجازه خواسته و ما را مستحضر سازند شاید ما بشروط سهل تر قبول کنیم گفتم دادیم دیگر چه میخواهید دالگور کی که این جوابها را شنید و این تمکین را دید عرش را سیر کرده چه باور نمینمود یکی از این تکالیف او پذیرفته شود برخواست و بمن دست داده من فقط همان دست راست که بشیر ایران دراز بود بودم و دست چپ را که اختیار نامه روی در بدلیز راه در آن بود دریغ کردم و با خود گفتم اگر ضرری بمملکت ایران وارد می آید بیاید انگلیسها که دوستان من می باشند بهتر این است که دچار خصامی نشوند این سه فصل از ملاقات من با دالگور کی می باشد که آشکار است شاید فصول مخفی دیگری هم داشته باشد که هر آدم عاقلی میدانند که از همین سه فصل چه ضررها بدولت ایران وارد می آید ..... و خیالی که در وقت دادن این امتیازات بدولت روس مینمودم فقط این بود که سردالگور کی را بیچنانچه او را ساکت کنم و بار راه فرنگ را به بندم .... »

### پیشنهادهای

بین امین السلطان صدر اعظم و قوام الدوله وزیر امور خارجه از یکطرف و دالگور کی وزیر مختار و پوجیو مستشار سفارت روس از طرف دیگر ملاقاتهای مکرری اتفاق افتاد. تکالیفی که روسها بدولت ایران پیشنهاد میکردند بسیار شاق و غیر قابل

### روسها

قبول بنظر میرسید بحدی که ناصر الدین شاه را بسیار نگران ساخته بود.

هر چه امین السلطان و قوام الدوله با راهنمایی و لف وزیر مختار انگلیس کوشش کردند که از سنگینی تکالیف دالگور کی وزیر مختار روسیه بکاهند ممکن نشد و بالمشکی پافشاری و خشونت او بیشتر میگردد.

عاقبت ضمن ملاقاتی که بین « غری غرویج صاحب مترجم اول » سفارت روس و قوام الدوله وزیر امور خارجه بعمل می آید آخرین تکالیف و پیشنهادهای وزیر مختار روس بدولت ایران داده میشود.

قوام الدوله جریان این ملاقات را بشرح ذیل بضمیمه عین تکالیف دالگور کی برای امین السلطان میفرستد.

« فدایت شوم امروز که روز جمعه است دو ساعت بطروب مسانده غری صاحب « آمد و از جانب وزیر مختار صورت تکالیف را آورد که ترجمه آن ارسال گردید بیغام آورده بود که تکالیف روس این است که صورت آن را فرستادم. « غیر این اگر بشود یا جرح و تعدیلی در آن نمایند اختیار ندارم آن را قبول « نمایم در باب پنج سال و چهار سال گفتم وزیر مختار وعده بمن داد من بخوا کپای « مبارک عرض کردم حالا مرا دروغ گو بیرون آوردن چه معنی دارد گفت وعده « وزیر مختار دروغ نمیشود همین که پنج سال از جانب دولت قبول شد شرط « باشد که یکسال را از امپراطور تخفیف بگیرند وزیر مختار خواهش دارد که « این کار را زود تمام نمایند که تمویق افتادن آن کار خوبی نیست و هر چه زود « تر بشود باعث رضای خاطر امپراطور روس خواهد بود زیاده عرض و « زحمتی ندارم »

تکالیف مزبور بشرح زیر بضمیمه نامه فوق برای امین السلطان ارسال شده است

« بولا آزادی مرداب اتزلی با جمیع رودخانهائی که بمصب آنها مرداب اتزلی میباشد با حق ساختن اسکلهای و انبار و غیره و سایر ملزومات متعلقه که مفضلاً مذاکره خواهد شد.

فائلاً آزادی سفید رود و رودخانه مشهد سر و سایر رودخانها که مصب آنها بحر خزر است

ثالثاً ساختن راه عراده رو یعنی شوسه از اتزلی الی دارالخلافه طهران که این راه باید قبل از همه راهها ساخته شود و باز بشود کمیائی میتواند بازار اهالی روس یا از اشخاص متفرقه باشد اما راه قوچان باید در سر وعده و پیش از همه راهها ساخته و حاضر باشد.

رابعاً تسهیل راه از استراباد الی اردبیل.

خامساً در باب ساختن راه آهن در خاک ایران مذاکره خواهد شد یعنی در باب خطوط این راهها وهم در باب ضمانت دولت ایران - باید دولت علیه ایران متعهد بشود که در مدت پنج سال بیاجرای اجازه ساختن راه آهن ندهد بعد از انقضای مدت مزبوره ( یعنی فلان مدت ) اگر دولت روسیه نتواند راه آهن بسازد دولت علیه ایران بپس که بخواهد اجازه ساختن بدهد مختار خواهد بود در تمام اطراف ایران و تمام خطوط « امین السلطان بعد از ملاحظه این نامه در ذیل آن نوشته است

« کی مذاکره خواهد کرد باید معین بشود نه بی تعیین - خطوط در شمالی ایران را فقط بادر همه جا جنوب مغرب مشرق باید توضیح شود - فقط خطوط جمع عمومی است و ما صلاح نمیدانیم باید يك خطی مذاکره شود - در کجا وجه خطها در مدت تعیین اجازه ساختن راه آهن بدهد باید توضیح بشود »

دستخط پسر میرزا ناصرالدین شاه  
 در جواب جواب اعتراضات سفارت روس در مورد افتتاح رود کارون در آن نقل کرده بود  
 خان علاءالملک وزیر مختار ایران در بطرز بورغ و نامه ای را که بامین السلطان نوشته و در  
 پیش نویسن تلگراف مزبور که بخط امین السلطان نوشته شده و بامضاء ناصرالدین شاه  
 رسیده بشرح زیر است .  
 دستخط است پسر امیرزا محمودخان و پسر مختار همین دستخط مرا فوراً برید برای جناب موسیو  
 کیرس و موسیو زینانویف بخوانید و بگوئید پرس دالغورو کی آمد و چند فقره تکالیف از جناب امیراعلیحضرت امیرامانور  
 آورده اظهار داشت و با کمال تندی و سختی جواب خواست باینکه اینمطلب خیلی نامطلوب و تفکر لازم داشت و  
 خیلی مهم بود چون وضعی برداشت کرده بود که میخواست خدا نخواست در دوستی و اتحاد چندین ساله سکنه  
 وارد بیابورد ما هم بدون ملاحظه و تأمل و تفکر با احترام اینکه دست آنرا بشخص امیراعلیحضرت امیرامانور میداد فوراً  
 امضی کرده دادیم که تفصیل آنرا مکتوباً بشما خواهیم نوشت و مقصود از این تلگراف این است که بجنابان  
 مشارالیهما بگوئید که ماهیچوقت از خواهشهای دوستانه امیراعلیحضرت امیرامانور و حفظ روابط دوستی مطابقت و خودداری  
 نداشته ایم و این سختی و تندی و بیسزگیهای ایندفعه پرس ابداً لازم نبود خوب است که اولیای آندولت دوست  
 ما را نسبت بخودشان بهتر از این بشناسند که حاجت باین وضعها نباشد بسیار صحیح است . عین این نامه در صفحه ۳۱۷ نقل گراور شده  
 و در تعقیب آن این نامه هم بخط ناصرالدین شاه بامین السلطان صدر اعظم نوشته شده است  
 جناب امین السلطان  
 این فقره یاد داشت را هم باید صریح به دالغورو کی بگوئید از این قرار  
 ما کایتاً منکر این هستیم که ابتدا خلاف ادب و خلاف عهدنامهها و خلاف قراردادنامهها را بادت روسیه  
 نکرده ایم که لازم شود این گفتگوها بعمل بیاید و این نوع تکالیف سخت بلا جهت که از حقوق اصلی دولت  
 ایران می گاهد و خلاف بین عهدنامه ترکمانچای است بما تکلیف شود . اگر این اظهار ما را صحیح میدانید  
 پس چه اسراری دارید اگر صحیح میدانید و میگوئید که ما خلافی کرده ایم و باید عوض آن خلاف را تکالیفات  
 جدیدی حتمی قبول نمائیم پس او را در یک مراسله رسمی بنویسید و مدلل نمائید که خلاف عهد شده است تا ما  
 جوانی که داریم بدیهم والا در همسایه کی دور دوستی اگر خواهشی دارید برای رواج و تسهیل تجارت خودتان در  
 شمال دیگر آن را باین طورهایی تحکم آمیز و سخت که نباید بخواهید چیزی را باید بخواهید که ما بتوانیم  
 قول بکنیم و خلاف عهدنامه و خلاف استقلال و اتکرتنه و آرای ایران نباشد و امر بطور دوستانه برضای طرفین  
 بگذرد و حل شود ۳۰۶ . عین این نامه در صفحه بعد گراور شده است  
 ناصرالدین شاه و امین السلطان با همه کوششی که برای تعدیل تقاضاهای روسیه  
 بعمل آوردند فایده ای نگرفتند و خود را بتنظیم و امضای تعهدنامه ای که متضمن تمام  
 پیشنهادات دالغورو کی باشد ناچار دیدند .  
 امین السلطان در مذاکراتی که با وزیر مختار روس بعمل میآورد باو قول میداد که

این نامه بخط امین السلطان نوشته شده و ناصرالدین شاه آنرا با جمله  
 « بسیار صحیح است » تصدیق نموده است

دالغورو کی برای قبول نندن پیشنهاد های خود بدولت  
 رفتار خشونت آمیز  
 ایران زیاد تعجیل میکرد و رفتار گستاخانه و خشونت آمیز او  
 وزیر مختار روس  
 فوق العاده موهن و زنده بود و ناصرالدین شاه از این روش  
 جسورانه وزیر مختار روس بسیار عصبانی بود .

متن نامه ای را که قوام الدوله وزیر امور خارجه در تاریخ ۴ ربیع الاول ۱۳۰۶  
 به میرزا ملکم خان ناظم الدوله وزیر مختار ایران در لندن نوشته و اظهارات ناصرالدین  
 شاه را در جواب اعتراضات سفارت روس در مورد افتتاح رود کارون در آن نقل کرده بود  
 قبلاً در صفحه ۱۷۰ دیدیم و اینک در اینجا متن تلگراف ناصرالدین شاه به میرزا محمود  
 خان علاءالملک وزیر مختار ایران در بطرز بورغ و نامه ای را که بامین السلطان نوشته و در  
 آنها از رفتار دالغورو کی وزیر مختار روس شکایت کرده نقل مینمایم .  
 پیش نویسن تلگراف مزبور که بخط امین السلطان نوشته شده و بامضاء ناصرالدین شاه  
 رسیده بشرح زیر است .

دستخط است پسر امیرزا محمودخان و پسر مختار همین دستخط مرا فوراً برید برای جناب موسیو  
 کیرس و موسیو زینانویف بخوانید و بگوئید پرس دالغورو کی آمد و چند فقره تکالیف از جناب امیراعلیحضرت امیرامانور  
 آورده اظهار داشت و با کمال تندی و سختی جواب خواست باینکه اینمطلب خیلی نامطلوب و تفکر لازم داشت و  
 خیلی مهم بود چون وضعی برداشت کرده بود که میخواست خدا نخواست در دوستی و اتحاد چندین ساله سکنه  
 وارد بیابورد ما هم بدون ملاحظه و تأمل و تفکر با احترام اینکه دست آنرا بشخص امیراعلیحضرت امیرامانور میداد فوراً  
 امضی کرده دادیم که تفصیل آنرا مکتوباً بشما خواهیم نوشت و مقصود از این تلگراف این است که بجنابان  
 مشارالیهما بگوئید که ماهیچوقت از خواهشهای دوستانه امیراعلیحضرت امیرامانور و حفظ روابط دوستی مطابقت و خودداری  
 نداشته ایم و این سختی و تندی و بیسزگیهای ایندفعه پرس ابداً لازم نبود خوب است که اولیای آندولت دوست  
 ما را نسبت بخودشان بهتر از این بشناسند که حاجت باین وضعها نباشد بسیار صحیح است . عین این نامه در صفحه ۳۱۷ نقل گراور شده  
 و در تعقیب آن این نامه هم بخط ناصرالدین شاه بامین السلطان صدر اعظم نوشته شده است  
 جناب امین السلطان

این فقره یاد داشت را هم باید صریح به دالغورو کی بگوئید از این قرار  
 ما کایتاً منکر این هستیم که ابتدا خلاف ادب و خلاف عهدنامهها و خلاف قراردادنامهها را بادت روسیه  
 نکرده ایم که لازم شود این گفتگوها بعمل بیاید و این نوع تکالیف سخت بلا جهت که از حقوق اصلی دولت  
 ایران می گاهد و خلاف بین عهدنامه ترکمانچای است بما تکلیف شود . اگر این اظهار ما را صحیح میدانید  
 پس چه اسراری دارید اگر صحیح میدانید و میگوئید که ما خلافی کرده ایم و باید عوض آن خلاف را تکالیفات  
 جدیدی حتمی قبول نمائیم پس او را در یک مراسله رسمی بنویسید و مدلل نمائید که خلاف عهد شده است تا ما  
 جوانی که داریم بدیهم والا در همسایه کی دور دوستی اگر خواهشی دارید برای رواج و تسهیل تجارت خودتان در  
 شمال دیگر آن را باین طورهایی تحکم آمیز و سخت که نباید بخواهید چیزی را باید بخواهید که ما بتوانیم  
 قول بکنیم و خلاف عهدنامه و خلاف استقلال و اتکرتنه و آرای ایران نباشد و امر بطور دوستانه برضای طرفین  
 بگذرد و حل شود ۳۰۶ . عین این نامه در صفحه بعد گراور شده است  
 ناصرالدین شاه و امین السلطان با همه کوششی که برای تعدیل تقاضاهای روسیه  
 بعمل آوردند فایده ای نگرفتند و خود را بتنظیم و امضای تعهدنامه ای که متضمن تمام  
 پیشنهادات دالغورو کی باشد ناچار دیدند .  
 امین السلطان در مذاکراتی که با وزیر مختار روس بعمل میآورد باو قول میداد که

تمام پیشنهاد های اورا دولت ایران خواهد پذیرفت و چون «شاه» باید بسفر اروپا برود فعلا مجال زیادی برای دقت در تنظیم این تعهد نامه نیست آنرا موکول بپازگشت از اروپا نماید ولی دالگورکی وزیر مختار روس زیر بار نپذیرفت و نه تنها تاخیر در امضای این تعهد نامه را جایز نمی شمرد بلکه بامسافرت ناصرالدین شاه هم از راه روسیه موافقت نمیگردد .

بالاخره ناصرالدین شاه که بیش از آن نمیتوانست در برابر روسها مقاومت نماید دستور میدهد امین السلطان وزیر اعظم و قوام الدوله وزیر امور خارجه بادالگورکی وزیر مختار روس مجلسی تشکیل و صورت تعهد نامه را تهیه نمایند . این تعهد نامه که قید محرمانه را داشت ظاهرا بااطلاع ولف وزیر مختار انگلیس رسیده بود و او باتمام مواد آن موافقت داشت بجز ماده شش که در مدت پنجسال ساختن راه آهن را در تمام ایران منحصر بروسها میکرد - ولف برای آنکه دولت ایران این ماده را قبول نکند فعالیت شدیدی بخرج میداد و آنرا مخالف منافع و نظر اولیای دولت انگلستان میشمرد .

در همان حینی که مذاکرات بین دولت ایران و سفارت روس در تهران ادامه داشت و دولت ایران آماده برای قبول پیشنهاد های روسها بود یکی از روزنامه های روسیه بنام «نووستی» (خبر) (۱) چاپ پترزبورغ در شماره مورخه ۶ ماه مارس سال ۱۸۸۹ راجع باختلاف بین دولتین و دعاوی روسها در ایران مقاله ای نوشته که ترجمه آن ذیلا نقل میگردد .

مقاله روزنامه «نووستی»

محل مسئله مسافرت اعلیحضرت شاه ایران بااروپا بموجب اطلاعات دیپلوماسی که از طهران رسیده مربوط بانجام مذاکراتی است که اکنون درمیان دولت ایران و کتیباژ دالگورکی آغاز شده است . چون مذاکرات مزبوره کلیه بطریق دوستانه است بسرعت تمام پیشرفت مییابد باید امیدوار شد از عموم جهات هم اتفاق حاصل خواهد آمد واحتمال می رود که اعلیحضرت شاه مسافرت خود را در نیمه اول ماه مارس که سابقا نیز بدین خیال بودند شروع نمایند . مطالبات روسیه بدو قسم است پولتیکی وایکونومی . مطالبات پولتیکی او تقریبا بدینقرار است ،

دولت روسیه میخواهد که دولت ایران اورا از تکرار اقداماتی مانند فقره نهر کارون تأمینات دهد و دیگر اینکه مسئله وراثت تخت سلطنت در حال حاضر متحمل گردد که در آئینه سد راه مخاطرات عظیمه ایران بود و دولت روسیه را وسیله مداخله بکارهای داخلی ایران بدست نیفتد زیرا که دولت روس بموجب عهدنامه منعقد درمیان این دودولت حمایت دودمان قاجاریه را بعهده گرفته است .

از آنجا که مطالبات روسیه از روی کمال امتدال است چنین گمان می رود که روسیه بوعده بر ملای اعلیحضرت شاه قانع شود که در آینده نه از طرف خود ایشان نه از جانب دولت ایران چیزی که موجب خلاف مرام روسیه باشد بظهور نیاید .

اعلیحضرت شاه حفظ روابط دوستی میان خود و روسیه را یکی از مواد اصلیه پولتیک خارجی نسل قاجار می شمرد

از مطالبات ایکونومی روسیه هم مقصود این است که در عوض خسارتیکه از باز شدن نهر کارون بکشتیهای انگلیس تجارت روسیه را فایده شده بر روسیه نیز تلافی شود .

این نامه بخط ناصرالدین شاه بامین السلطان است

بامین السلطان  
امین السلطان  
وزیر اعظم  
مجلس

مجلس  
امین السلطان  
وزیر اعظم  
مجلس

این نامه بخط ناصرالدین شاه بامین السلطان است

بامین السلطان  
امین السلطان  
وزیر اعظم  
مجلس

مجلس  
امین السلطان  
وزیر اعظم  
مجلس

این نامه بخط ناصرالدین شاه خطاب بامین السلطان است



قیل ز همه روسیه خواست می کند که حکومت ایران بساختن راههای راه آهن در ایران روسها را امتیاز بدهد .

حکومت ایران بانجام این خواست بکمال ممنونیت اظهار آمادگی مینماید چه از قراریکه وزراء تصدیق می نمایند شاه بخصمه مقصودی بالاتر از این ندارد که خطوط راههای آهن ایران در همه جای آن کشیده شود و چون تاکنون هیچیک از روسها در باب امتیاز سمی و کوشش نموده اند لهذا اکنون را نمی توان گت که آیا کارکنان روسیه و تجارت روس از حالت حالیه ایران فعلا بهره یاب خواهند بود یا نه .

در انجام سه مطالب هم روسیه اصرار دارد .  
یکی اینکه دولت ایران ملتزم بشود که بند مرداب انزلی را برای کشتیهای روس باز نماید (ابن لنگرگاه برای کشتیهای روسیه تاکنون بسته بود)

ثانیاً بدون تاخیر باقی راه شوسه از عشق آباد تا خراسان را بسازد ثالثاً بزودی بساختن راه شوسه از رشت تا طهران بپزدازد .

این سه خواست روسیه را دولت ایران تماماً قبول نمود اکنون مقاله نامه آمد و شد کشتیهای ما را ترتیب می دهند و انتشار مقاله نامه مزبور و اعلان باز شدن لنگرگاه مرداب سفاین روس در این روزها منتظر است .

دوای ایران بوالی خراسان حکم موکدی فرستاد که مشارالیه راه شوسه از سرحد روس تا مقر حکومت خود را بزودی انجام دهند و از هیچگونه بناگذاری دریغ ننمایند چون ما اکنون در خراسان جنرال قونسول داریم و مراقبت خواهد نمود که امر شاهی را با کمال جد و جهد انجام دهند لهذا این مسئله را حل شده باید انگاشت .

ساختن راه شوسه از رشت تا طهران را هم بمهدد حاکم کیلان شاهزاده حاکم السلطنه که در فصل خزان گذشته در تغلیس شرفیاب حضور امیراطوری شد محول داشته اند و شاهزاده برای ساختن این راه کنتراچیها می طلبند و کنتراچیها می توانند از خارجه هم باشند و بدینجهت پرس نیز بتوسط مامورین دولت ایران مقیمین روسیه به کنتراچیهای روسیه از عمل کنتراحت اطلاع میدهند . در خصوص حسن علاقیات ما با ایران هم بیان کنیاز دالتورکی و وزیر اول شاه صلح وصفای کاملی حاصل شده است .

جناب امین السلطان در خصوص رفتار و کارهای خود در غیاب دالتورکی توضیحاتی داد که دالتورکی را راضی نمود و برای مشارالیه یقین حاصل شده است که شایعات پرودت آمیز میان وزیر اول و دولت روس بی اصل و ملاحظه بوده است و این صلح وصفای امین حضرت شاه را خیلی خرسند نموده و بملامت شادی خود بامین السلطان خرقة خلعت باقرمان مرحمت نموده است .

پیشنهادهای روسها قبول میشود

عاقبت بعد از مذاکراتی که بین طرفین بعمل میآید متن تمهد نامه تهیه و در ماه رجب ۱۳۰۶ هجری قمری باین شرح بامضای ناصرالدین شاه میرسد و سپس برای سفارت روس ارسال میگردد .

محرمانه

السلطان ناصرالدین شاه

«بملاحظه دوستی خالصانه خودمان بادولت بهیه روسیه حاضریم فقرات مفصله ذیل را قبول نمایم و برای تسهیل و توسعه تجارت میانه ایران و روس برقرار نمایم  
اولاً - مرداب انزلی و رودخانههاییکه مصب آنها مرداب انزلی است

برای عبور کشتی های تجارتنی از بخاری و باد بانی و گرجی تبعه دولت روسیه آزاد خواهد بود و بملاحظه رفع خطرات کشتی ها و گرجیها دهنه مرداب انزلی و دهنه رودخانه مشهد سروپیر بازار که مشهور برودخانه سیاه رودبار است نقشه و اصلاح خواهد شد حقوق و شروط این آزادی کشتی رانی علیحده مقرر و از طرف دولت ایران به تبعه دولت روسیه اعلان میشود .

ثانیاً - کل رودخانه ها که مصب آنها بحر خزر است و عبور و مرور کشتی ها و گرجیها در آنها ممکن است برای عبور کشتی ها و گرجی های تجارتنی تبعه روسیه آزاد است و این آزادی کشتی رانی بر طبق حقوق و شروط فوق است که در فصول اول اشاره شده است

ثالثاً - انبارهای تجارتنی و اسکله هایی که لازم باشد و غیره را دولت علیه ایران بارعایای ایران ساخته و بتجار تبعه روسیه بقیمت عادله اجاره خواهند داد و از روری که آنها را معین نموده و بکارگذاران دولت ایران از طرف تجار روسیه اعلان خواهند کرد تا انتضای مدت یکسال دولت ایران بارعایای ایران نساختند آنوقت تجار دولت روسیه حق خواهند داشت که موافق عهد نامه مقدسه آنها را بسازند و تجار روسیه حق آنرا دارند که برای بار دادن و بارگرفتن از تبعه ایران باروسیه بقدر ضرورت عمله و مزد بگیرند .

رابعاً - دولت ایران ساختن راه شوسه را از پیر بازار یا مبارک آباد بطهران قبول میکند که کمپانی آنرا دولت روسیه تشکیل بدهد باشروطی که نافع تجارت دولتین باشد و تبعه ایران هم حق شراکت با آن کمپانی خواهند داشت و شروط قرارنامه اینراه شوسه فیما بین اولیای دولت ایران و کمپانی مزبور برضای طرفین معین و مقرر خواهد شد و هنگامیکه در شروط و قرار داد ساختن اینراه شوسه مذاکره و گفتگو میشود امتیازاتیکه بکمپانی راه آذربایجان داده شده بنظر خواهند آورد که نظایر آن امتیازات باین کمپانی هم مرحمت شود .

خامساً - بکمپانی راه آذربایجان مقرر خواهد شد که راه عراده از تبریز بجلقا و از تبریز باواجق را یکدفعه باتمام برسانند و بهمین کمپانی امر و مقرر میشود که راه آستارا را هم الی اردبیل بزودی شروع نموده و تعمیر و تسهیل نمایند .

سادساً - دولت ایران قبول میکند که بکمپانی روس اجازه بدهد راههای آهنی که بهر جا که مفید و مناسب منافع تجارتنی دولتین روس و ایران باشد در خاک ایران بسازد و شرایط قرار نامه آن باید مناسب و برضای طرفین باشد برای مذاکرات این مسئله بکمپانی مزبور پنجال مهلت میدهد و وعده میدهد که در ظرف این پنجال بهیچ کمپانی دیگر اجازه ساختن راه آهن ندهد بعد از

انقضای مدت مزبوره با امضای قرارنامه دولت ایران مختار خواهد بود که اجازه ساختن راه آهن بهر طرف و از هر طرف نخواهد بدهد در صورتیکه در ظرف این پنجسال از کمپانیهای روس نخواهند راه آهن بسازند دولت ایران از این وعده تعهد خودبکلی آزاد است.

بملاحظه قبول فقرات مزبوره فوق وعده قراریکه در چهاردهم ذیحجه ۱۳۰۴ متعلق براههای آبی و آبی باعلیحضرت امپراطوری داده بودیم از اعتبار خود ساقط شد

تاریخ شهر رجب المرجب ۱۳۰۶ امضی شد و بجناب پرنس دالتور و کی وزیر مختار دولت بهیه روسیه داده شد صحیح است السلطان ناصر الدین - شاه قاجار .

باین ترتیب با سپردن این تعهد نامه تا اندازه ای رضایت ناصر الدین شاه روسها جلب میشود و روابط دولتین ایران و روس ظاهر آهیبودی مییابد و ناصر الدین شاه مقدمات سفر سوم اروپا را فراهم میسازد تا با خیال راحت در راه بعد عازم روسیه شود .

ناصر الدین شاه و امین السلطان در دوازدهم شعبان ۱۳۰۶ از طریق روسیه با اروپا میروند .

روسها با آنکه با گرفتن تعهدنامه فوق هنوز بواسطه اعطای امتیاز ایجاد بانک شاهنشاهی و اجازه کشتی رانی رود کارون بانگلیس ها از ناصر الدین شاه و امین السلطان دلخوشی نداشتند و نمیتوانستند اثرات بعدی این عمل را نادیده انگارند معینا در بندیرانی از شاه ایران و همراهانش کوتاهی نکردند و با کمال گرمی و صمیمیت رفتار نمودند چنانکه خود ناصر الدین شاه در سفرنامه خویش می نویسد .

« در حقیقت منتهای دوستی و همسایگی و اتحاد را بجا آوردند . »  
در ملاقاتهایی که بین طرفین بعمل میآمد گاه و بیگاه روسها عدم رضایت خود را از روش حکومت ایران اظهار میداشتند و چون امین السلطان را موجود این رویه میدانستند نسبت باو بی اعتنا و بدبین بودند .

ناصر الدین شاه و همراهان از روسیه به لهستان و آلمان و هلند و بلژیک و سپس بانگلیستان میروند .

پس از پذیرائی مفصلی که در لندن از شاه ایران بعمل میآید به فرانسه و از آنجا به اشتوتگارت و مونیخ و سپس باطریش رفته و باز از راه روسیه با ایران مراجعت مینماید و در تاریخ ۲۴ صفر ۱۳۰۷ بطهران وارد میشود .

در مدتی که ناصر الدین شاه و امین السلطان در کشورهای مختلف اروپا برای گردش و عیاشی با نظرف و آنطرف میرفتند تنها چیزی که موجب ناراحتی فکر آنها میشد ناراضاتی روسها و مسئله دعاوی و طرز رفتار آنها در آینده بود .

ناصر الدین شاه هنگامی که در انگلیستان مشغول عیاشی و باده نوشی بود در کمال بی خبری و بی اطلاعی علاوه بر امتیازات گذشته بادیستاری امین السلطان و ملوک امتیازات

دیگری هم بانگلیس ها میدهد که بعد ها مزید بر گرفتاری های سابق شد مثل امتیاز لاطار و ضمیمه چهارم امتیاز نامه بانک شاهنشاهی و دعوت ماژوتالبوت برای دادن امتیاز انحصار دخانیات و غیره

امین السلطان که میدانست بواسطه این مسائل روسها باو فوق العاده بدبین میباشند و نخواهند گذارد او آسوده در مقام خود باقی بماند بیش از ناصر الدین شاه ناراحت و مشوش بود مخصوصا اینکه در آینده با اجرای مواد امتیازاتی که انگلیس ها و روس ها بدست آورده اند با اشکالات فراوانی دست بگریبان مییابد دائم در فعالیت و جستجوی راه حلی بود .

سید جمال الدین  
اسدآبادی مامور مذاکره با روسها  
بهمین منظور وقتی که عازم ایران بودند در شهر مونیخ امین السلطان با سید جمال الدین اسدآباد ملاقاتی میکند و باو ماموریت میدهد تا به پترزبورغ رفته و اطینان روسها را نسبت بخود جلب نماید .

سید جمال الدین اسدآبادی بعدها که رنجشی از امین السلطان پیدا کرد ضمن نامه شکوائیه ای جریان این ملاقات و ماموریت خود را بطرز بزرگ برای ناصر الدین شاه مینویسد . در اینجا متن آنرا برای مزید اطلاع ذیلا نقل مینمایم .

این نامه را سید جمال الدین از حضرت عبدالعظیم بن ناصر الدین شاه نوشته است .  
عرضه داشت بنده سنیعالیه و جتیه رفیعه سامیه اعلیحضرت شاهنشاه اسلام پناه در (مونیک) وقتی که از شرف و عدا احترامات و اجازه مصاحبت موبک همایونی در زمره طرب بودم ادر همان محضر استی جناب امین السلطان وزیر اعظم چنان پسندیدند که این عاجز برای اصلاح بعضی امور ضروریه اولاب (پترزبورغ) رفته پس از انجام آنها بایران بیایم اعلیحضرت شاهنشاه اقام الله به غلامه لندن استجنان فرمودند در شب همان یوم الشرف پنجماء جناب وزیر اعظم باین عاجز مکالمه نمودند خلاصه اش این شد که اولاد دولت روسیه و رجال وارباب جراید آنرا حق نیست که ایشان را بچلس و نشانه سهام نمایند و از در معادات و معانیت برآیند چون که ایشان یعنی جناب وزیر اعظم مالک و صاحب ملک نیستند و رتق و فتق امور بقدرت ایشان نیست دیگر آنکه مسئله کارون و بانک و معادن قبل از ارتقاء ایشان بر تبه وزارت عظمی انجام پذیرفته است نهایت این است که اجراء آن از سوء بخت در زمان وزارت ایشان شده است پس چنین و دود پترزبورغ باید در نزد وزارت روسیه ابراه زمه و تبرک ساحت ایشان را بشمایم و تبدیل افکار فاسده وزراء روس را در حق ایشان داده و حسن مقاصد و نیات ایشان را در باره دولت روس مسجل کنم .

ثانیا از این عاجز خواهش نمودند که به (میوکیس) (۱) رئیس الوزراء و وزیر دول خارجه و مستشارهای ایشان (ویلتکالی) و زینوویف (۲) شفاها بگویم که ایشان یعنی جناب وزیر اعظم از برای انسان حسن مقاصد خود در هر حال حاضرند که اگر از طرف روس طریق سهلی ارائه شود در ظرف چند روز مسئله کارون و بانک و معادن را حل نموده بحالت سابق اعاده نمایند این عاجز چون تجاح مقاصد جناب وزیر اعظم را عین رضایت پادشاه و خیر ملت اسلام میدانم به پترزبورغ عود نمودم و چند نفر را که درسیاسیات مشرق زمین یا خود هم مشرب می دانستم چون ژیرال (اپروچف) در حریبه و ژیرال (دیختر) در وزارت دربار و ژیرال (اغناقیف) (۳) سفیر سابق روس

(1) — De Giers  
(2) — Zinoveieff  
(3) — IG Cnatieff

در اصلاح و مواد (نویسنده) (۱) که از خوانین نافذالکلمه وغالبا در مسائل سیاسی که مابین روس و انگلیس است میکوشید باخود متفق گردد و در طرف دومه بیست بار بامیسو (کیروس) و با مستشارهای ایشان ملاقات کرد و پیش از آن که در مقاصد جناب وزیراعظم شروع نماید اولاد این سنی نمود که باده و برهین سیاسی و باغات هم مشیهای خود تبت کتم که صلاح دولت روس در مشرق زمین آن است که علی الدوام با دولت ایران از در مسالمت و موافقت و محامله برآید و سخت گیری و مخاصمت ننماید و در ضمن همه وقت منع و سماح اعلیحضرت شاهنشاه اسلام یتنرا در ارتکاب و ازاضی تر کمایه و جایهای دیگر خاطر نشان ایشان مینمودم چون دانستم که این مطلب اصلی مسجل شد و مقبول گردید و از برای ایشان انحراف رأی روی داد و آتش غضبان فرونشست در آن وقت مقاصد جناب وزیر اعظم را پیش نهاده گفتم وزیر اعظم بنفس خود در مونیخ بمن گفتند بشما تبلیغ کنیم که ایشان حاضرند اگر شما طریقی نشان دهید که موجب حرب و سبب غرامت نگردد مسئله کارون و بانک و معادن را حل نمایند و موازنه سابقه که در میان دولت روس و ایران و انگلیس بود دو باره برقرار کنند و در تلوا این مطلب اینقدر که ممکن بود در تیره تیره جناب وزیراعظم و حسن مقاصد ایشان در حق دولت روسیه کوشیدم چنانچه دو بار هم این مطالب را از پترزبورگ بایشان نوشتم میسو کیروس و مستشارهای ایشان پس از آن که مکرر از حسن مقاصد و نیتان عزم جناب وزیر اعظم پرسیده گفتند که ما باید در این مسئله با وزیر جنگ و وزیر مالیه اولامشوروت کنیم و با امپراطور حاصل مشورت خود را عرضه نمائیم بعد از آن اگر طریق سیاسی یافت شد که بدان توان حل مسئله را نمود بشما شفاها خواهیم گفت که به هیچ جواب جناب وزیر اعظم برسانید البته اگر این مسئله بنهجی حل شود که موجب مخاصمه در میان دولت ما و دولت ایران نگردد بهتر است \*

پس از چندین بار مشورت در مسلك پلتیک یکی از برای خود روسی از برای جناب وزیر اعظم تعیین نموده بمن گفتند که اگر جناب وزیراعظم می خواهند ابواب خطرهای آینده را ببندند در جواب رسالت این دو مسلك را بدیشان از طرف ما ابلاغ کن و چون هر يك از ما خط حرکت پلتیک خود را بر آن دو مسلك مین قرار دهیم مسئله بخوبی خود بلاغرامت و بلاجدال حل شده سبب رضایت همه خواهد بود این عاجز شادان و خرسند شدم که بقوت الهیه بتعماتی توانستم پس از اطلاع تام از مسالك سیاسی خفیه روس در مشرق زمین خدمتی بدولت اسلام تسلیم و وزیراعظم را از خود خوشنود کرده باشم چون بپهران رسیدم خارج شهر توقف نموده جناب وزیراعظم اطلاع دادم جناب ایشان خانه حاج محمد حسن امین الضرب را معین نمودند که در آن جا فرود آییم و نجل ایشان را مهماندار مقرر نمودند و این عاجز مدت سه ماه تمام از جای خود حرکت نکردم بغیر از یکبار آنهم بعد از یکماه که عرشرف حضور حاصل شد و بدان توبه های ملو کانه مقتضی گردیدم و در این مدت جناب وزیراعظم هیچگونه سوال از این عاجز سؤال نگردیدند که در پترزبورگ چه واقع شد و جواب آن مسئله که ترا برای آن بدان جا فرستادم چه شد بلی در این مدت چند بار بستی از حاشیه خود را برای احوال پرسی فرستادم و عده ملاقات مفصل می دادند چون مدت طول کشید از کیفیت مسئله سؤال شد در جواب گفتم که هنوز از طرف وزیراعظم اسفاسفاس نشده است و سبیرا هم نمی دانم در وقتیکه اعمار جناب وزیراعظم بوزارت روس معلوم گردید با همه آن محاجات و مجادلات و تبلیغات ملحانه این عاجز در پترزبورگ ایشان این امر را بمجرد ملاعبه بازی و اهانت و تحقیر و باخود خیله سیاسی مقصود کشف افکار طرف متقابل (کلی سؤال میشد و کشف افکار طرف مقابل میکردند) سرده سفارت خود در دارالخلافه طهران تلگراف نموده که سیدجمال الدین از طرف وزیر اعظم شفاها بعضی تبلیغات نمود اگر وزیراعظم میخواهند که در آن مسائل داخل شوند راسا بتیج رسمی با سفارت روس در طهران یا با سفارت ایران در پترزبورگ مکالمه نمایند و سید جمال الدین که بهیچ غیر رسمی بعضی تبلیغات نمود اگر چه پس از این سخنی از این طرف بگویند مقبول نیست (لا حول ولا قوة الا بالله) و نوشته رنج کشیده مرجوع قهقری بنقطه اولی برگشت (شکفت) عقده حل کرده را دو باره محکم کردن (شکفت) اعلیحضرت پادشاه اسلام پناه نتایج اینگونه حرکات را بخرد خداداد دیپلوماسی از هر کس بهتر میمانند جناب وزیراعظم چون از مضمون آن تلگراف مطلع شدند بخلاف عادت سیاسیین جهان بجای آن که تلفظ نمایند که چرا افکار و وزراء روس را در این مسائل استکشاف نمودند و جوابهای ایشانرا استماع نکردند

(بهر صاحب گفته بودند که من چیزی بسیدجمال الدین نگفته بودم که بوزارت روس تبلیغ نمایند) و من ایشان را بطرز زبورگ فرستادم (انالله وانا الیه راجعون) اینک لمبممکوس اینک فکر تقیم اینک نتیجه قاسم یا ایتمسک چگونه توان راه اظهار رابست و از معالک دوری جست (بلا سبب شبعه در دلها افکندن و قلوب را حفر کرکین خصلتت تعالی مگر بندرت کامله خود را از آثار و خیمه اینحرکات حفظ کند .... و اعجب از اینوا مه ایست پس از آن که وعد احترامات و ستایش خود را از لسان مبارک اعلیحضرت شاهنشاهی شنیدم حاجی محمد حسن امین الضرب تبلیغ نمودند که رضایت اعلیحضرت شاهنشاهی اینست که اینعاجز طهران را ترک نموده مجاور مقامی شهر قم بشوم هر چه در خیابای ذهن خود تقویت نمودم سبب را ندانستم - آبا جهت آن بود که دولت روس را براهین و وسائل دعوت بسلك و مواده دولت ایران نمودم یا برای آنست که بخواهنش وزیراعظم پترزبورگ رفته در تیره تیره و حسن مقاصد ایشان با دولت روس کوشیدم - باین جهت که طرق حل مسائل را چنانچه خواهش وزیر اعظم بود بقوه کدوچند بدست آوردم - اگر چه بر مجرب ندامت رواست آنچه بیادش مهمانی اول بمن گفتند مرا آگاهی بود که دیگر خیال ایران را نکنم اما لفظ شاهنشاه را مقدس شمرده خواستم بخلاف آنچه گفته بودند معلوم گردد که هم خیر خواهم هم مطیع دیگر این چه نقش است که باز از خوابان گوازه پسند بالله ملیکم اگر خدا نخواسته ظهورات مرا از مسلك خیرخواهی منحرف و منحرف کند بر من چه ملامت خواهد بود سبحان الله توهم مزاحمت متاسب هر وقت این صاحبان عقول سفیره و نفوس حقیره را بر این میدارد که ذهن و قادت اعلیحضرت شاهنشاه را در پاره این عاجز مشوب گردانند اینک در حضرت عبدالعظیم نشسته تا امر از مصدر عزت چه صادر شود .  
و اسئل الله تعالی ان یمدکم بالعدل والحق و ینصرکم بالحکمه و یشد دولتکم بقدرته و یحرره عن کید -  
الغائبین آمین العاجز جمال الدین الحسینی

ناصرالدینشاه بعد از بازدید کشورهای مختلف اروپا در  
پس از بازگشت  
از سفر اروپا  
تاریخ ۲۴ صفر ۱۳۰۷ هجری قمری (۲۰ اکتوبر ۱۸۸۹) به  
تهران وارد میشود .

از این تاریخ ببعده امتیازات بیشماری که متضمن خطرات زیادی برای استقلال  
سیاسی و اقتصادی کشور بود بخارجیها اعطا میگردد .

لرد گرنز انگلیسی راجع باین موضوع مینویسد .

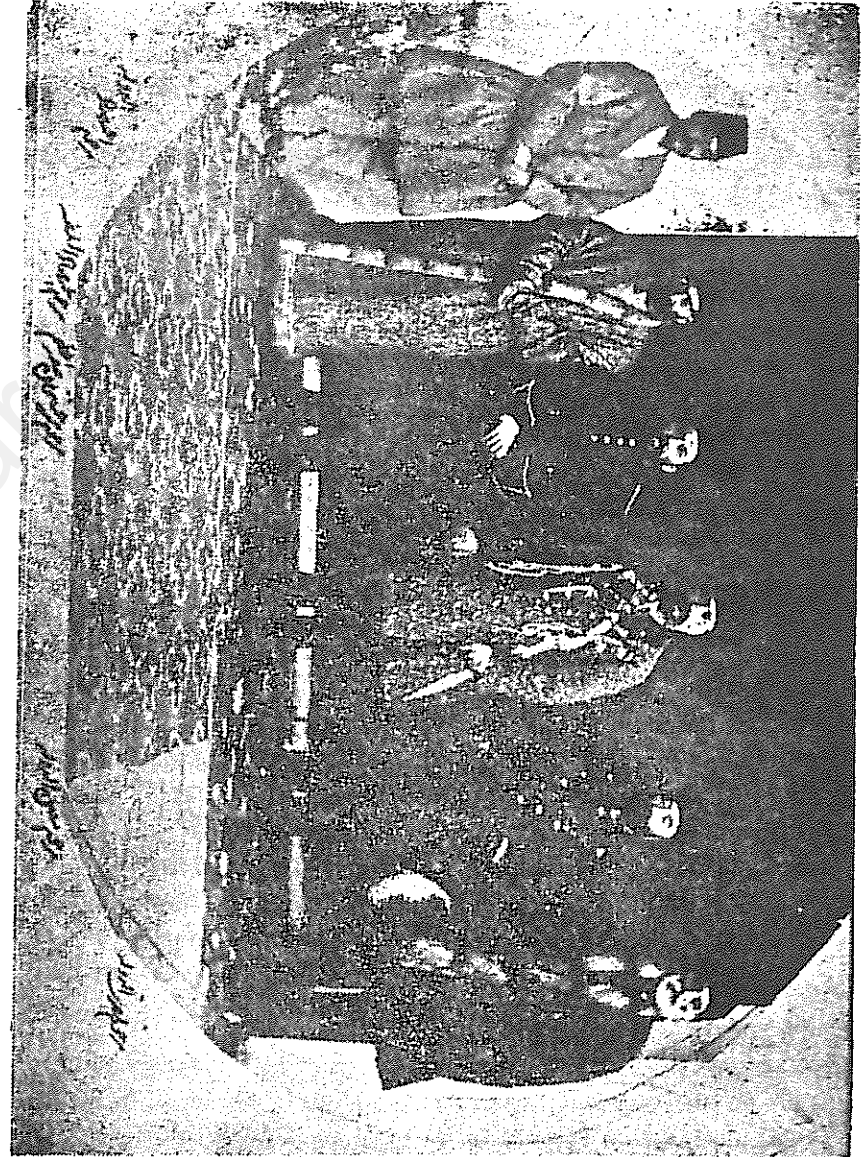
« بعد از مراجعت شاه از سفر فرنگستان نمایندگان سرمایه داران اروپایی برای گرفتن امتیازات مانند مورد  
و ملخ بپهران هجوم آوردند و معروف بود عده زیادی در طهران حاضر بودند امتیازاتی از قبیل امتیاز گازیخانه قند -  
شیشه - تلفون - چراغ برق - ایجاد تاکستان و انصار انواع و اقسام محصولات فلاحی و غیره بدست آوردند شاه  
نیز حاضر است موافقت کند چونکه مبلغ کلی بحساب شخص شاه داده میشود . »

د کتر فوریه فرانسوی پزشک ناصرالدین شاه در یادداشت های خود مینویسد .

« چنین بنظر میرسد که با اعطای این امتیازات بی دری ایران بالاخره بتامی  
بدست خارجیان بیفتد . »

ناصرالدین شاه و امین السلطان که منابع مملکت را بمعرض حراج گذارده بودند با  
گرفتن مبلغ مختصری بدون آنکه از عواقب این عمل بیم و هراس بخود راه دهند تحت عناوین  
عمران و آبادی کشور و بکار انداختن سرمایه های خارجی در ایران از دادن هر امتیازی  
روگردان نبودند .

پس از ورود ناصرالدینشاه بتهران روسها قبل از هر چیز هم خود را مصروف اجراء  
مواد تمهیدنامه رجب ۱۳۰۶ مینمودند راجع بقسمت چهارم و پنجم و ششم تمهید نامه حزبور  
یعنی راههای شوسه و راه آهن بعدها در جای خود اشاره خواهم کرد و در اینجا فقط  
چگونگی اجرای مواد اول و دوم و سوم آنرا شرح میدهم .



سرت الدوله - معین الدوله - ناصرالدین شاه - میرزا حسین خان سپهسالار - اقتضای السلطنه - اقتضای الدوله

### مقررات ورود کشتیهای روس بمراداب انزلی ورودخانهای شمالی

در تعهدنامه مورخ رجب ۱۳۰۶ که در داب انزلی و رودخانه‌های آنرا برای عبور و مرور کشتی‌های روس آزاد می ساخت نوشته شده که « حقوق و شروط این آزادی کشتی رانی علیحده مقرر و از طرف دولت ایران به تبعه دولت روسیه اعلان میشود . »

روسها بدولت ایران فشار می آوردند که این مقررات را زودتر تعیین و اعلان نماید تا کشتی‌ها و کرجی‌های روسها بتوانند بمراداب و رودخانها آمدورفت کنند . هنگامی که ناصرالدینشاه در اروپا مشغول تفریح و تماشا بود روزی شارژدافر سفارت روس در تهران از قوام‌الدوله وزیر امور خارجه ملاقات و پیشنهادهای خود را در این باب باو میدهد و جدا تقاضا میکند که تکلیف آنرا تعیین نماید .

قوام‌الدوله جریان این ملاقات و تقاضای شارژ دافر روس را بناصرالدینشاه که آنموقع در انگلستان بود بوسیله سفارت ایران در لندن تلگراف میکند .

« تلگرافی است که از جناب قوام‌الدوله باین سفارت سنیه رسیده بتاريخ یازدهم و نیمه »

« ۱۸۸۹ . ( ۱۲ ذی القعدة ۱۳۰۶ ) »

« قربان خا کپای جواهر آسای اقدس همایونت شوم امروز که پنجشنبه دوازدهم »  
 « شهر ذی‌قعدة الحرام است صبح شارژدافر روس آمده اظهار داشت موافق دستخط »  
 « مبارک که بسفارت داده شده نوشته شده در باب آمدورفت کشتی بمراداب انزلی »  
 « ورودخانها قراردادی برقرار خواهد شد و از طرف ایران بتجار و تبعه روسیه اعلان »  
 « خواهد شد مسیو غرس را ماموریت داده است که باشما حرف زده آن قرار داد را »  
 « توضیح و مراتب را بمجلا اطلاع بدهم این پیر غلام باو گفت موکب همایون تشریف »  
 « ندارند و من بدون اذن و اطلاع نمیتوانم سؤال و جواب در این باب بکنم کنت و »  
 « اصرار کرد که مراتب را بخوا کپای اقدس همایون شاهنشاهی روحنا فداء تلغراف »  
 « نمایم شارژدافر گفت از بطرز بورغ صورت قراردادی برای من نیامده است من »  
 « بسلیقه و عقل خود چیزی یادداشت کردم اگر در خا کپای مبارک مقبول افتاد میتوانم »  
 « تلغراف نمایم که اولیای دولت روسیه هم تصدیق و امضاء نمایند باید از طرف »  
 « ایران اعلان بشود که برای تسهیل امور تجارتي فیما بین ایران و روس دولت علیه »  
 « که در مراداب و جمیع رودخانها که بمراداب و دریای خزر میرود در کمال آزادی »  
 « آمدورفت نمایند بموجب قرارداد ذیل . »

« اولاً - کشتی و کرجیها باید در اسکله توقف نمایند همیتقدر که برای داد و ستد »

« بار و مسافر و آذوقه و تعمیر و مرمت لازم باشد و در صورتی هم که دریا »  
 « طوفانی باشد . »

« ثانیاً - از برای انتظام امور در اسکله هم قراول ازدولت علیه ایران تعیین و »

« برقرار خواهد شد . »

« ثالثاً - تبعه ایران که مشغول فعله گی و حمل مال التجاره بکشتیهای مزبور »

« خواهند بود باید از کار گذاران ایرانی تذکره در دست داشته باشند .  
 « رابعا - از رعایای ایران که در کشتی های روسیه خدمت میکنند هر گاه تقصیری  
 « در خاک ایران کرده باشند بعد از آنکه کار گذاران ایران تقصیر او را بر تیس  
 « کشتی مدلل داشتند رئیس کشتی مقصر را بکار گذاران ایران تسلیم خواهد کرد با  
 « ملاحظه شرایط عهدنامه ترکمانچای .  
 « خامسا - حمل و نقل اسلحه کلیتا قندغن و موقوف است ولی روسای کشتیها بجهت  
 « خودشان چند قبضه تفنگ های شکاری میتوانند داشته باشند .  
 « سادسا - بدون اذن و اطلاع از طرف دولت علیه ایران کشتیها نمی توانند باروت  
 « و دینامیت حمل و نقل نمایند .  
 « هفتم - هر گاه از کشتیهای روسیه غرق بشوند باید موافق قرارداد کلیه روی زمین  
 « سکنه ساحل در خلاص آن کشتی و مال التجاره آن اهتمام کافی بعمل بیاورند و حق  
 « زحمت را هم که مستحق هستند دریافت نمایند . »

باین ملاقات و ملاقاتهای بعدی و تفهیمات مکرر شارژ دافر سفارت روس تعیین  
 و اعلان مقررات مزبور را موکول بآمدن ناصرالدینشاه به تهران نمودند .  
 بالاخره پس از آمدن ناصرالدینشاه به تهران و مذاکرات مفصل شرایط و مقررات  
 عبور و مرور کشتیها و کرجیهای تبعه روسیه بمرداب انزلی و رودخانههای آن ( که تقریبا  
 همان شرایطی است که در مورد ورود کشتیها برودخانه کارون مقرر شده ) با تراضی  
 طرفین تعیین و اعلان میشود .  
 و ضمن نامه ای بتاريخ ۱۴ ماه شوال ۱۳۰۸ رسماً این مقررات را به دوتوزوف (۱) وزیر  
 مختار جدید روسیه اطلاع میدهند .

مرخه ۱۴ شهر شوال المکرم سنه ۱۳۰۸

« جناب جلالت و بکالت تصابا فخامت و مناعت انتسابا دوستان استظهارا مشفقاکرما مهربانا .  
 بموجب فقره اول قرارداد فیما بین دولتین قویشوکتین ایران و روس مورخه شهر رجب ۱۳۰۶ در باب عبور  
 کشتیهای تجارته بخاری و بادبانی و کرجی تبعه دولت بهیه روسیه در مرداب انزلی و رودخانههایی که مصب آنها  
 مرداب انزلی است و مقرر است حقوق و شرایط این آزادی کشتی رانی علیحدت مقرر و از طرف دولت ایران تبعه روسیه  
 اعلان خواهد شد اکنون صورت حقوق و شرایط مزبوره را که در سایر بنادر دولت علیه معمول و مجری است و متضمن  
 بیست و یک فقره است در ضمن این مرسله ارسال گردید که آن جناب جلالتماب از مراتب مندرجه در آن استحضار  
 حاصل فرموده تبعه دولت متبوعه معظمه خود اعلام بفرمایید در اینموقع احترامات ناقصه را تجدید می نمایند .  
 محل مهر ( قوام الدوله )

ضمیمه نامه فوق

دولت علیه ایران برای تسهیل تجارت بشروط مسطوره ذیل اجازه می دهد که سفاین تجارتی بخاری و  
 بادبانی تبعه دولت بهیه روسیه و کرجی در مرداب و رودخانههایی که مصب آنها بحر خزر است به آزادی  
 تردد نمایند .

۱ - کشتیهای تجارتی تبعه دولت بهیه روسیه زیاد بر ضرورت بارگیری و باراندازی و حمل آذوقه مسافرت  
 در اسکله و رودخانهها توقف نمایند .

۲ - در کشتیها اشخاصی که وجود آنها مضرت نظم و باعث گفتگو و زحمت بشود نباید باشند هر کس می آید

l - de Butzof

باید تذکره از دولت متبوعه خود داشته باشد زیرا که اگر تذکره نداشته باشد فهمیده نمی شود که  
 تکلیفش چه چیز است .

۳ - هیچ کشتی حق هیچگونه حمایت بهیچ اسم و رسم از رعایای دولت ایران نخواهد داشت .  
 ۴ - حمل اسلحه مطلقاً قندغن است و اگر بخلاف قندغن دولت در کشتیها اسلحه حمل شده باشد کمر کخانه  
 حق ضبط آنها را دارد .

۵ - اشیاء محترقه و تر کنده بهیچوجه در کشتیها حمل نخواهد شد .  
 ۶ - صاحبان کشتی و جهان الوجوه ایجاد هیچگونه انبیه از قبیل انبار ذغال و مال التجاره و دکان  
 کاروانسرا و کارخانه و غیره را در اطراف مرداب و رودخانهها نخواهند کرد .

۷ - از برای وضع مال التجاره و ذغال کشتیها از طرف دولت پانچور ایران انبار و مکان واسکله بقدر  
 کفایت ساخته خواهد شد .

۸ - از برای انبارهای مال التجاره و ذغال يك مبلغ معتد و معمولی اجازه معین خواهد شد که صاحبان  
 کشتی ادا خواهند نمود .

۹ - تحویلدار تبار ذغال رعایای ایران خواهند بود .  
 ۱۰ - از برای انبار مال التجاره يك اعمینی از ایران منتخب خواهد شد و يك نفر هم از جانب کل  
 کشتیها و کالة مشخص خواهد شد که متفقا مراقب باشند .

۱۱ - مستحقین اسارها از قبیل قراولی و غیره کاملاً از جانب ایران خواهد بود .  
 ۱۲ - اهل هیچیک از کشتیها حق ندارند وجهها من الوجوه از احدی از رعایای ایران هیچگونه مالک  
 بیع و شری و رهن و غیره نمایند بغیر از آنچه عهدنامه جات اجازه میدهد .

۱۳ - از کشتیها که در مرداب انزلی و رودخانهها عبور و مرور می کنند ذهاباً و ایاباً اگر کشتی بخار است  
 بهر تن تکفیر و اگر بادبانی باشد ده شاهی بواج و حق الهی گرفته میشود اگر بی در باشند نصف بواج از آنها گرفته  
 خواهد شد و کشتیهای بادبانی رعایای داخله ایران که از سی تن کمتر باشد از رسوم مزبور معاف  
 خواهند بود .

۱۴ - حملها برای حمل مال التجاره از اسکله به کشتی و از کشتی با اسکله با امانت وثبت مخصوص از جانب  
 دولت ایران معین خواهند شد .

۱۵ - در صورتیکه در کشتیها با اجازه دولت ایران عملیات ایرانی مستخدم شوند در زمانی که تحت حرکات  
 بیابند یا متهم شوند محاکمه و مجازات آنها مستقیماً بدون مداخله احدی با سامورین ایران  
 خواهد بود .

۱۶ - در باب بیرق کشتیها تحت قانون کلیه بحریه خواهند بود .

۱۷ - اهل کشتیها بمموم رعایای ایران با مستثنای عمل داد و ستد تجارتی زیاد از دو تومان قرض نخواهند داد  
 والا حق مطالبه نخواهند داشت .

۱۸ - هیچیک از صاحبان کشتی حق ندارند مداخله در عمق مرداب و طرح و اجرای رودخانهها  
 و جهان الوجوه نمایند .

۱۹ - عدد و اسم و رسم اشخاص که باذن و اجازه دولت داخل خدمت کشتیها میشوند باید در دفتر حکومت  
 مقید باشد و تذکره از ایران داشته باشند والا نمی توانند مستخدم شوند .

۲۰ - در وقتیکه يك کشتی غرق شود همان معامله که در عموم سواحل دریاهای معمول است حق خلاص مال و  
 نفوس را پاهل ساحل رودخانه ادا خواهند نمود .

۲۱ - اهالی کشتیها اشیاء مضره از قبیل اسلحه و غیره بهیچیک از رعایای ایران و ایلات عشایر نخواهند  
 فروخت و الا اسلحه ضبط و قیمت عادلانه مسترد خواهد شد .

ملاحظه شد صحیح است ( محل اعضاء ناصرالدینشاه )

ساختن اسکله و انبارهای تجاری  
 سفارت روس ضمنا از دولت ایران میخواهد که برای ساختن اسکله و انبارهای تجاری اقدام بنماید و چون نتیجه عملی از آن نمی‌گیرد تقاضا میکنند خود اتباع روس باینکار مبادرت ورزد ولی دولت ایران باین درخواست روی خوشی نشان نمیدهد و در پاسخ نامه وزیر

مختار روسیه چنین مینویسد

در جواب یاد داشت مورخه ۲۶ شهر رجب ۱۳۰۸ آنجناب جلالتمآب زحمت میدهد که مراتب مرقومه در آن یادداشت از عرض حضورهایون شاهنشاهی گذشته اسکله و انبارهایی را که محض سهولت امر تجارت خواهش فرموده‌اند که در بندر قازبان و مبارک آباد ساخته شود امر و مقرر فرمودند که کار گذاران دولت تمام آنها را خواهد ساخت و لازم نیست که تجار خارجه آنها را بسازند زیرا که این بناها در حقیقه تماما متعلق بگمرکخانه دولتی است و دولت باید بسازد و خواهد ساخت ولی مسلم است که تمام آنها بزودی تمام نمیشود از امسال موافق حکم همایون که صادر شده است شروع بساختن آنها نموده تا سه سال تمام اینها ساخته و پرداخته خواهد شد که هم اسباب آسایش تجار وهم رونق و شکوه گمرکخانه دولت باشد محض اطلاع آن جناب از او امر مقدسه زحمت داد . ۲۹ شهر رجب ۱۳۰۸



## امتیاز استفاده از جنگل‌های شمالی ایران

روسیها و جنگل‌های شمالی  
 جنگل‌های شمالی ایران یکی از منابع ثروت مردم آن سامان بشمار میرود. وسعت این جنگل‌ها که در ایالات مازندران و استرآباد و گیلان و طالش و آذر بایجان واقع شده تقریبا در حدود یک میلیون ونیم جریب میباشد.  
 مالک قسمتی از این جنگل‌ها اشخاص مختلف بودند ولی قسمت عمده آنها جزء خالصه و متعلق بدولت بود و چوب آنها گذشته از رفع احتیاجات محلی در سابق یکی از شعب تجارت مردم ایالات شمالی و از صادرات مهم مملکت محسوب میشد  
 بعد از معاهده ترکمانچای که اتباع روس امتیازاتی بدست آوردند عده زیادی از تجار روسی با دادن مبلغ مختصری بحکام و مالکین جنگل‌ها را اجاره میکردند و بقطع چوب و محصولات جنگلی و صدور آن بخارج مبادرت میورزیدند و چون قاعده و قانونی برای حفاظت جنگل‌ها نبود لطمات و صدمات زیادی باین منبع طبیعی ثروت ایران وارد آمد و بهمین علت قسمت زیادی از جنگل‌های شمالی از بین رفت.

عباس میرزا ملک آراء برادر ناصر الدین شاه در کتاب شرح حال خود مینویسد درشت نامش جنگل است از هر خانه بخانه دیگر که شخص برود بین راه بوته و درخت است بیرونها گل و باتلاق است ولی درختهای بلند خوب هر چه بوده رو-ها بریده و برده‌اند چه بسا که در وسط جنگل درخت خوبی بوده و بریده‌اند و بجهت بیرون بردن آن درخت صد درخت دیگر را بریده‌اند که راه گشوده شود و جنگل باین معنری را در واقع بکلی تمام کرده‌اند درختی که زیاده از سبزه ارتفاع داشته باشد خیلی کم است پول جزئی بشاه و امنای دولت و حکام داده جنگلی را که میتوان گفت خزانه دولت است از دست اینها برده‌اند و تعجب در این است که وقتی بطهران آمد روزی مهمان کامران میرزای نایب السلطنه بودم در کامرانیه وضع جنگل را گفتم چون گیلان در اداره ایشان بود بطوری تخاصی کرد که من از اظهار مطلب پیشمان شدم و بکلی انکار دادند که بک درخت را برده‌ها نمی‌توانند ببرند حتی شاخه‌ای را قدرت ندارد از حن انفاق محمودخان ناصر الملک قراگزلو حاضر بود که دو سال حکومت رشت را کرده بود با کمال جرات تصدیق مرا کرد و کامران میرزا هیچ خجالت نکشید.

و اگذاری جنگل‌های شمالی بنایب السلطنه  
 گفتیم که این جنگل‌ها یا متعلق باشخاص مختلف بود و یا غالباً جزء خالصه و بدولت تعلق داشت.  
 تجارت و اتباع خارجی که میخواهند از چوب جنگل‌ها استفاده نمایند قراردادهایی با مالکین و حکام محل منعقد میساختند و با پرداخت مبلغ مختصری استفاده‌های سرشاری از چوب و محصولات جنگل‌ها میبردند سابقا دولت در بیشتر مواقع جنگل‌های خالصه هر ناحیه را در مقابل مبلغ معینی بشخصی

که معمولاً از حکام محلی بودند واگذار میکرد .  
 در سال ۱۲۹۹ هجری قمری ناصرالدین شاه بموجب فرمان مخصوصی اختیار جنگلهای مازندران را برای مدت پنجاه سال بنایب السلطنه امیر کبیر وزیر جنگ و فرزند خود واگذار میکند و ضمن نامه ای بسفارت خانهای انگلیس و روس و فرانسه و عثمانی مینویسد که به تجارت تبه خودشان اعلام نمایند که بعد از آن تاریخ برای تجارت و خرید و فروش چوب و محصولات جنگلها باید بنایب السلطنه مراجعه کنند و از او اجازه بگیرند .  
 این موضوع موجب شکایت سفارت خانهای مزبور میشود و هریک بدولت ایران اعتراض مینمایند چنانکه سفارت انگلیس در تاریخ هشتم ماه جمادی الثانی سال ۱۲۹۹ هجری قمری ضمن نامه اعتراضیه ای مینویسد .

« اگر چنانچه اختیارنامه مذکور فقط مرجوع به آن قطعات جنگل است که رجوع بدیوان اعلی میباشد بلکه به بیشه های مال شخصی مردم هم پس در اینصورت بشق حقه از تجارت منحصر و مایبول شده است و آن نقض حقوق عهدنامه میباشد ... »

سفارت روس نیز در تاریخ ۱۹ ماه جمادی الثانی ۱۲۹۹ در نامه ای بوزارت امور خارجه چنین مینویسد .

« ... اولیای دولت اعلی حضرت شهریار در این جور تدبیر صرف نظر کرده اند از اینکه واگذار نمودن بدست یک شخص برقرار کردن البته موجب ضیق آزادی مرادفات تجارنی مابین رعایای دولتیین غلبتین قویشو کتین و مایه خسارت گزاف اشخاص از تجار روس که سابقاً قرارنامه حاجه باحکام وجه با مالکین جنگلهای مزبوره نوشته اند خواهد شد ... »

و این وضع را مخالف عهدنامه منعقدہ می شمارد .

همچنین سفارتخانه های فرانسه و عثمانی هم در این باب بدولت ایران اعتراض میکنند و آنرا مخالف عهدنامه های مقررہ میدانند .

با اینکه دولت ایران این اعتراضات را رد میکند ولی عملاً در وضع جنگلهای تغییر داده نمیشود و طرق استفاده از چوب و محصولات آنها مانند سابق بود تا بعد از مراجعت ناصرالدین شاه از سفر سوم اروپا که امتیازاتی بشرح زیر برای استفاده از محصولات جنگلهای شمال پیک تجارتخانه روسی بنام « کوسیس توفیلاکتوس » (۱) اعطا میگردد .

۱- استفاده از درخت های زیتون

این قرار داد که در تاریخ اول ماه شوال ۱۳۰۷ قمری (۲۲ ژوئن ۱۸۹۰) بامضای امین السلطان و نماینده تجارتخانه کوسیس توفیلاکتوس و وزیر مختار روس رسیده شامل سه فصل و با این مقدمه شروع میشود .

« فیما بین دولت علیه ایران و تجارتخانه کوسیس توفیلاکتوس مقیم باد کوبه بر رعیت دولت بیه روسیه قرارنامه حاضر با شرایط ذیل استقرار یافت »

مطابق فصل اول « دولت علیه ایران همگی درخت های زیتون ایالت کیلان را در منجیل ورود بار و رستم آباد و اطراف رودخانه سفید رود و سایر نقاطی که زیتون بعمل میآید برای مدت بیست و پنج سال بتجارتخانه کوسیس توفیلاکتوس واگذار مینمایند .  
 بموجب این امتیازنامه تجارتخانه مزبور در نقاط شمالی کارخانه های لازم را دایر

و محصولات زیتون را که منحصر بآن خواهد بود خریداری و پس از تهیه صابون و روغن و غیره حمل خواهد کرد .

تجارتخانه در دو سال اول از پرداخت حقوق دیوانی معاف است ولی از سال سوم سالی هزار تومان وجه رایج بخرانه دولت خواهد پرداخت .  
 ۲- استفاده از چوب شمشاد .

این قرار داد که در تاریخ سه شنبه ۲۰ ربیع الاول سال ۱۳۰۸ مطابق ۱۳ اکتبر ماه روسی ۱۸۹۰ بتصویب امین السلطان رسیده شامل شش شرط و از طرف دولت ایران « جناب فتخامت نصاب امیر الامراء العظام محمد ولیخان نصر السلطنه حکمران اسر ابادو گرگان دام اجلاله العالی » امضاء کرده است .

بموجب این قرارداد تجارتخانه « کوسیس و توفیلاکتوس » در مدت پنجسال مجاز است که چوب شمشاد از جنگلهای آستارا الی استرآباد بریده و بخارج حمل کند  
 تجارتخانه مزبور در مقابل متعهد است سالی یازده هزار تومان در دو قسط بنصر السلطنه تسلیم نماید .

۳- استفاده از چوب درخت جنگلها

اولین امتیازی که برای استفاده از چوب درختهای جنگلهای شمال بتجارتخانه « کوسیس توفیلاکتوس » داده شده بتاریخ دهم ذی القعدة سال ۱۳۱۱ هجری قمری بمدت پنجسال وبامضای میرزا علی اصغر خان امین السلطان میباشد .

این امتیاز در چهاردهم رجب سال ۱۳۱۷ برای مدت هشت سال دیگر از ۲۱ مارس ۱۹۰۰ لغایت ۲۱ مارس ۱۹۰۸ بموجب قرار داد تازه ای که در پنج فصل نوشته شد تمدید گشته است .

بموجب فصل اول قرار داد اخیر « تجارتخانه کوسیس و توفیلاکتوس از طرف دولت علیه ایران مختار و مجاز است که از جنگلهای آستارا و کیلان و کلارستاق و کجور و مازندران و استرآباد از هر قبیل چوب آلات گرفته حمل بخارج نماید .  
 و اگر دیگران بخواهند از چوب جنگلهای استفاده نمایند باید با اجازه تجارتخانه فوق الذکر باشد و همچنین حقوق دیوانی را هم بآن تجارتخانه بپردازند .

در مقابل این امتیاز تجارتخانه مزبور سالی بانزده هزار تومان بدولت ایسران خواهد داد و چون مقارن آن زمان مظفرالدین شاه برای وقت باروپا بیول احتیاج داشت مبلغ هفتاد و پنج هزار تومان بابت پنجسال پیشکی دریافت داشتند و نیز بموجب نوشته جداگانه ای این قرارداد را برای مدت هشت سال دیگر پس از پایان مدت آن با سالی بیست و پنج هزار تومان تمدید مینمایند .

بالاخره در سال ۱۳۲۵ بعد از آنکه هشت سال اول قرار داد خاتمه پذیرفت دولت ایران بتجارتخانه « کوسیس توفیلاکتوس » اعلام داشت که دیگر تمدید مدت را برسمت نبشاند و از حمل چوب و دخالت آن تجارتخانه در امور جنگلهای ممانعت خواهد کرد .

سفارت روس باین جریان اعتراض و با تهدیداتی که بدولت ایران مینمود عاقبت دولت ایران تسلیم میگردد و قرار میشود تجارتخانه مزبور کما فی السابق به عملیات خود ادامه دهد .

بهرحال در مرتبه سومی که ناصرالدینشاه در روسیه بود پالیاکف بوساطل مختلف «خدمات وزحمات» خود را بنظر «ملوکانه» رسانیده و «شاه» نیز برای اظهار «مرحمت والتفات» بیشتر او را بتهران دعوت میکند .

الت پالیاکف باستظهار و راهنمایی وزارت امور خارجه روسیه پیشنهادات خود را در همانموقعی که ناصرالدینشاه و امینالسلطان در روسیه بودند برای تحصیل امتیازات مختلف تهیه و عرضه داشته بود و وقتی که پالیاکف بتهران آمد فقط پیشنهاد او در مورد ایجاد يك مؤسسه استقراضی مورد قبول و موافقت قرار گرفت .

بلاخره بمدای مذاکراتی که در تهران بین دولت ایران و پالیاکف بعمل میآید قرار میشود که این مؤسسه فقط اعمالی را انجام دهد که آن اعمال در انحصار بانك شاهنشاهی ایران نباشد و حتی برای احتیاط ابتدا از گذاردن عنوان « بانك » روی این مؤسسه خود داری میکنند و آنرا بنام « انجمن استقراض ایران » میخوانند .

امتیازنامه بانك  
استقراضی

باعتبار رهن و يك مغازه فروشی و نیز مغازه و انبار برای نگاهداری مال التجاره و غیره « ماده اول - نظر باینکه عمل استقراض باعتبار رهن و عمل حراجی در تحت يك « قانون آورده شود و برای اینکه قرض کنندگان از دست اشخاص که پول به تنزیل « زیاد میدهند خلاصی یابند اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران بمسیوژاک پلیاکف « قونسول ژنرال ایران و ورثه و یا کسان دیگر که محق باشند امتیاز انحصاری « تشکیل شرکت استقراضی باعتبار رهن و يك مغازه حراج و مغازه های دیگر در « ایران داده و مدت امتیاز فوق ۷۵ سال خواهد بود از تاریخی که اعلیحضرت « همایونی آنرا امضاء نمایند .

« ماده دویم - اسم شرکت مذکور (انجمن استقراض ایران) خواهد بود و مقصودش « قرض دادن در مقابل هر قسم که باشد باستثناء اموال غیر منقوله شرکت باید « حراج را برسمی که در یکی از پایتختهای اروپا معمول است ترتیب بدهد .

« ماده سیم - صاحب امتیاز یا ورثه او یا کسانی که محق باشند باید از طهران « شروع نموده معاملات خود را بمرور بسایر نقاط ایران توسعه بدهند .

« ماده چهارم - شرکت باید در هر حال تا دو سال بمدای اینک اعلیحضرت همایونی « این امتیاز را امضاء کرده شروع بعملیات نمایند و هرگاه شرکت تشکیل شد « باید قانون تشکیل خود را بدولت ایران تقدیم نماید آنوقت فقط قانون رسمی شده « و میتواند بمعاملات شروع نماید .

« ماده پنجم - انتشار سرمایه ورقه سهام و اسناد از هر قسم باشد بمسئول صاحب امتیاز « یا شرکت است و همچنین ترتیب دادن شرکت و ریاست آن با صاحب امتیاز یا « شرکت است .



## بانك استقراضی رهنی روس

قبلا دیدیم که پس از افتتاح رود کارون و پیش از مسافرت ناصرالدین شاه باروبا هنگامی که امینالسلطان بادالکورکی وزیر مختار روسیه ملاقات کرد برای جلب نظر و موافقت روسها باو وعده داد که امتیاز تاسیس يك بانك روسی نیز بآنها خواهد داد . بانکی را که روسها میخواستند در ایران تشکیل دهند در مقابل بانك شاهنشاهی و برای رقابت بآن بانك و بمنظور توسعه نفوذ روسیه بود .

صاحب امتیاز بانك  
استقراضی روس  
کیست ؟

امتیاز نامه بانك استقراضی بيك نفر روسی بنام ژاک پلیاک اعطاء شده است ولی این شخص بایک نفر دیگر بنام رافلوویچ شریک بود .

لرد کرزن در کتاب « مسئله ایران » راجع باین دو نفر

می نویسد .

« در سال ۱۸۹۰ (۱۳۰۷ هجری قمری) دو نفر از اتباع روس که کار آنها گرفتن کنتراست و امتیازات بود برای تکمیل امتیاز راه آهن بطهران آمدند یکی موسوم به رافلوویچ (۱) و دیگری بنام پالیاکف (۲) بود . شخص او ای سابقا قونسول ایران مقیم اودسا بوده است - این دو نفر میخواستند امتیاز راه آهن و انحصار کهرکات ایران را بدست آورند - پیشنهاد آنها این بود که از جلفای روس يك خط آهن بتهران و بندر عباس و بندر محمره و يك خط هم از تهران بمشهد کشیده شود و مدتی مذاکرات در باب پیشنهاد آنها ادامه پیدا کرد ولی عاقبت در این مورد نتیجه ای بدست نیاموردند و از این موضوع مابوس و خسته شدند . این اشخاص در قسمت دیگر که تحصیل امتیاز يك مؤسسه رهنی از شاه بود موفق شدند و این مؤسسه را در طهران دایر کردند که علاوه بر امور رهنی معاملات بانکی را هم انجام میداد و بزودی رقیب بانك شاهنشاهی گردید .

هنگامی که میرزا رضاخان ارفع الدوله وزیر مختار ایران در روسیه بود از پترز-بورغ گزارشی بشماره ۲۶ مورخ ششم محرم ۱۳۱۶ هجری قمری بوزارت امور خارجه فرستاده و راجع بخدمات پالیاکف چنین مینویسد .

« نظر بخدمات چندین ساله مسیو پالیاکف جنرال قونسول دولت علیه مقیم پتربورغ که معروف حضور مبارک و زیاد از بیست و پنج سال است اول در طاقا نروق و حال در پتربورغ بدین سمت مشغول خدمت است اعلیحضرت شاهنشاه شهید (ناصرالدینشاه) نورالله مضجعه در سفر آخری فرنگستان بموجب فرمان جهامطاع لقب بارونی باو مرحمت فرمودند مشارالیه برای استعمال این خطاب مکرر در مقام تحصیل اجازه امپراطوری برآمده دولت روسیه این خواهش را رد کرده جواب داده اند که این لقب تاکنون در ایران نبوده...»

و میخواهد که از طرف دولت ایران در تهران با سفارت روس مذاکره و جلب موافقت روسها بشود .



« ماده ششم - دولت ایران در پناه خود گرفته است شرکت و مال منقول و غیره  
 « منقول او و عمارات و مفازه او و اجزاء راهر گاه از جانب شرکت تقاضا شود دولت  
 « هر اقدامی که برای محافظت از هر غرض باشد بنماید مستحفظین اطاعاتی دفتر و  
 « مفازه شرکت قراول خواهند بود .  
 « ماده هفتم - يك قسمت که صدی ده باشد از منفعت خالص از روی امانت شرکت  
 « که مامورین دولت در آنها حق رسیدگی خواهند داشت بخزانة اعلیحضرت همایون  
 « ناصرالدینشاه خواهد رسید بعلاوه این شرکت مبلغ یکپنجاه هزار تومان را آخونده السنه  
 « (عمل) خواهد پرداخت از بابت امتیاز حراجی در طهران .  
 « ماده هشتم - در تمام مدت این امتیاز شرکت بانام دارائی و سرمایه و عایدات او  
 « و اسناد قرار دادهای او و غیره از هر گونه حقوق و باج و مالیات و غیره و غیره  
 « بهر اسم و رسم که باشد معاف خواهند بود .

« ماده نهم - ممکن است گماشتگان و مامورین شرکت تبعه ایران باشند .  
 « ماده دهم - اسبابها و اشیاء و مال التجاره و غیره که در نزد شرکت رهن گذاشته  
 « شده باشند نمیتوان ضبط یا فروخته شود برای بدهی قرض کنندگان باشخاص  
 « ثالث با از جهت دیگر مگر بعد از این که شرکت بتمام طلب خود رسیده باشد .  
 « ماده یازدهم - برای ختم گفتگوها و ادعاهائی که از اجراء شرایط این امتیاز  
 « تولید میشود يك کمیسیون دائمی که مشتمل بر چهار عضو باشد که دو نفر از آنها را  
 « دولت معین خواهد نمود و دو نفر دیگر را شرکت تعیین خواهد کرد تشکیل  
 « خواهد یافت فتاوی این کمیسیون بر حسب اکثریت تمامه اعضاء معین خواهد شد و  
 « این احکام برای تمام اشخاص که طرف هستند قطعی است در صورتی که اکثریت  
 « حاصل نشود مسئله بشخص ثالثی رجوع خواهد شد که از طرف دولت و شرکت  
 « معین می شود و حکم او قطعی است و وسائل مهمه و فوری و هر گاه شرکت شکایتی  
 « داشته باشد حق دارد مستقیماً مطلب را بوزیر اعظم رجوع نماید .  
 « ماده دوازدهم - هر گاه اختلاف رائی روی دهد نسخه فرانسه این امتیاز سند  
 « معتبر خواهد بود .

« ماده سیزدهم - نرخ تنزیل نباید از صدی (۱۲) الی صدی (۱۸) تجاوز نماید و  
 « در معاملات از احدی طرفداری نخواهد شد شرکت رهن از هر گونه مال التجاره  
 « و اشیاء را که دارای قیمت هستند تا پنج قران بعون رهن قبول نماید شرکت  
 « حق دارد آن چه را که خراب باشد یا اینکه نگاهداریش خطر ناک یا غیر ممکن  
 « باشد رد نماید .

« ماده چهاردهم - قرض کننده میتواند جزواً مستخلص نماید بواسطه پرداخت  
 « وجوه بی در پی یا معادل مبلغ قرض این وجوه جزئی از دو قران قبول میشود هر گاه  
 « بموجب تقاضای صاحب رهن او فروخته شود پرداختهای جزئی او راجع نموده به  
 « تنه طلب رهن گذارند از فروش رهنش اضافه خواهد شد .

« ماده پانزدهم - رهنی که از گرو بیرون نیآورده باشند یا اینکه تجدید قبولی  
 « دومرتبه رهن گذاران در موعد خود نشده بر در حراج عمومی فروخته خواهد شد  
 « و قرض دهندگان حق ندارند آنرا بخرند هر چه از فروش اشیاء و رهن بعلاوه بدهی  
 « قرض کنندگان باقی ماند متعلق برهن گذارنده است که حق دارد دوروره بعد از  
 « حراجی الی مدت سه سال بعد از رهن گذاشتن تنه خود را مطالبه نماید .

« ماده شانزدهم - بیرون آوردن از گرو بترتیب معمولی باید در عرض یکسال  
 « صورت بگیرد هر گاه رهن گذارنده نتواند رهن خود را بیرون بیاورد باید در  
 « عرض سه ماه بعد از انقضای مدت یکسال تجدید معامله نماید و اگر چنانچه از این  
 « شرکت تخلفی شود رهن فروخته خواهد شد برای اینکه تجدید معامله نماید قرض  
 « کننده بدو باید تمام تنزیلهای گذشته را بپردازد و نیز باید مقبل شود که رهن  
 « مجدداً به تخمین و تقویم تازه برسد و نیز تفاوت مابین قیمت تخمین حالیه و اولیه را  
 « بپردازد تقویم جدید بترتیب معمولی صورت خواهد گرفت و وقتی که قرض کننده  
 « تمام تنزیلهای عقب افتاده را پرداخته و مخارج و حقوق معینه را و همچنین تفاوت  
 « موجود را (در صورتی که بوده باشد) پرداخته است تجدید را از روی قیمت حالیه  
 « رهن بهمان ترتیب و همان شرایط و برای همان مدت قرض اولی صورت خواهد  
 « گرفت .

« ماده هفدهم - اگر چنانچه شیئی که رهن گذاشته شده باشد مفقود شود قیمت  
 « آنرا از روی تخمینی که در موقع رهن گذاردن یاد رهن وقت تجدید کردن شده  
 « است باضافه يك ربع آن مبلغ بعنوان غرامت بصاحب رهن پرداخته میشود اگر  
 « چنانچه رهن ضایع شده باشد صاحب آن حق داود آنرا به شرکت واگذار نماید  
 « و قیمت رهن گذاشتن آنرا یا قیمتی که در وقت تجدید کردن تعیین شده  
 « دریافت نماید .

« ماده هجدهم - در باره حراجهای شهرهای آباد شرکت مالیاتی را که اکنون  
 « باین حراجها در شهرها تعلق میگیرد باید بپردازد .  
 « به نستجین نوشته شد در طهران مورخه سیممه ۱۸۹۰ فرانسه مطابق ۲۱ آوریل  
 « روسی این اصل قرارداد دارای امضاهای کتبی ذیل است .

« ۱ - صحه اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران ناصرالدینشاه

« ۲ - امضاء حضرت صدراعظم امین السلطان

« ۳ - امضاء وزیر امور خارجه، قوام الدوله

امتیازنامه من دوپیتته (۱)

« قرار نامه و امتیاز برای ایجاد من دوپیتته و ساختن مکانی جهت حراجی عمومی و  
 « همچنین ساختن انبارها جهت حفظ اسبها و تیکه در نزد کمپانی رهن میگذارند .  
 « فصل اول - اشخاصیکه با گرو پول قرض مینمایند برای آنکه از منفعت دادن  
 « گزاف آسوده باشد و عمل حراجی در تحت قاعده باشد اعلیحضرت همایون

«شاهنشاهی اجازه میدهند بواک دوپلیاکوف قونسول جنرال ایران و وراث او»  
 «که من دویته برقرار نمایند و مکان حراج و انبارهاییکه لازم دارند بسازند»  
 «مدت این امتیاز هفتاد و پنج سال خواهد بود از تاریخ امضای این قرارداد»  
 «فصل دوم - این کمپانی قرض دهنده از هر قبیل اجناس منقول رهن قبول»  
 «خواهد کرد - غیر منقول مثل خانه و ملک و دکان و زمین و غیره قبول نخواهد»  
 «داشت و یک مکانی خواهد ساخت برای حراج کسردن عمومی مثل اینکه در»  
 «شهرهای فرنگستان معمول است»  
 «فصل سیم - صاحب امتیاز ابتدا شروع در طهران خواهد کرد و بعد حق خواهد»  
 «داشت که در سایر شهرهای ایران مثل طهران یک من دویته و مکان جهت»  
 «حراج عمومی برقرار نماید»  
 «فصل چهارم - صاحب امتیاز میباید دو سال بعد از امضای این قرار نامه شروع»  
 «بکار نماید و الا این امتیاز نامه از درجه اعتبار ساقط است قرارهاییکه این»  
 «کار خواهد داد قبل از اجرای باید برض و اطلاع دولت برساند و بعد شروع»  
 «بکار کند»  
 «فصل پنجم - سرمایه و تقسیم سهام و ساختن انبارها و مکان و کلیه تمام مخارج»  
 «لازمه این کار بعهده صاحب امتیاز خواهد بود»  
 «فصل ششم - تمام آلات و اجناس منقول مرهونه و نقد و ابنیه از قبیل خانه و»  
 «انبار و عملجات و غیره که متعلق بصاحب امتیاز است و برای همین کار ایجاد»  
 «کرده است در تحت حمایت اولیای دولت خواهد بود بجهت حفظ اموال اوهر»  
 «چند قراول که لازم باشد دولت مضایقه نخواهد فرمود»  
 «فصل هفتم - در آخر هر سال بعد از وضع مخارج صاحب امتیاز باید صدی»  
 «ده از منافع کل بخرانه دولت کار سازی نماید علاوه بر این صدی ده در هر سالی»  
 «مبلغ هزار تومان مالیات حراج طهران است صاحب امتیاز بخرانه دولت کار»  
 «سازی خواهد نمود»  
 «برای معلوم نمودن منافع ده از صد که بدولت باید برسد دولت علیه ایران»  
 «حق دارد بدفاتر عمل رسیدگی نماید»  
 «فصل هشتم - در تمام مدت این امتیاز نامه اموال صاحب امتیاز از قبیل منقول و»  
 «غیر منقول و وجه نقد کلیه آنچه را که مالک هستند از جمیع صادرات و عوارضات»  
 «دیوانی معاف خواهد بود»  
 «فصل نهم - عملجات و اجزای کمپانی میتوانند تبه دولت ایران باشند»  
 «فصل دهم - اجناس از هر قبیل که در رهن صاحب امتیاز است دیگری»  
 «نمی تواند بپسوجوه آن اسباب را ضبط کند یا بفروشد تا زمانی که تمام تنخواه صاحب»  
 «امتیاز داده شود»  
 «فصل یازدهم - هر گاه گفتگو و منازعه مابین صاحب امتیاز و دیگران پیدا»  
 «شود رسیدگی باین کار بعهده چهار نفر خواهد بود که دو نفر آنها را دولت»

«معین خواهد فرمود و دو نفر آنها صاحب امتیاز هر حکمی که طرف غالب»  
 «مجلس خواهند کرد همان مجری خواهد شد هر گاه ادعا و گفتگو در آن مجلس»  
 «تمام نشود چند نفر دیگر را طرفین معین خواهند کرد که رسیدگی نمایند هر گاه»  
 «صاحب امتیاز مطلب مهمی داشته باشد بجناب وزیر اعظم اظهار نماید»  
 «فصل دوازدهم - هر گاه گفتگویی جهت این امتیاز نامه بمیان بیاید از روی»  
 «نوشته بغط فرانسوی که عیناً مطابق ترجمه فارسی آن خواهد بود رسیدگی»  
 «خواهد شد»  
 «فصل سیزدهم - قدر منفعت در هر صدی دوازده الی هیجده خواهد بود»  
 «زیاده تجاوز نخواهد کرد و همه تبیل اسباب و اشیاء قبول خواهد شد الی اسبابیکه»  
 «پنجهزار قیمت آن باشد مگر اسبابیکه نگاهداشتن آن متکل و محل خطر باشد»  
 «فصل چهاردهم - شخص مقروض میتواند دین خود را بدفعات ادا کند و این»  
 «وجوه دفعاتی از دو قران بیلا قبول خواهد شد هر گاه بموجب خواهش قرض کننده»  
 «اسباب مرهونه فروخته شود وجوه دفعاتی محسوب خواهد شد هر چه از وجه»  
 «فروش باقی ماند بصاحب گرو داده میشود»  
 «فصل پانزدهم - هر گاه در سر وعده اسباب مرهونه از رهن خارج نشود و یا»  
 «اینکه سندش را تجدید نکند آن اسباب در حراجی عمومی فروخته خواهد شد»  
 «صاحب طلب نمیتواند آن اسباب را بخرد تفاوتی که از فروش اسباب بعد از ادای قرض»  
 «پیدا میشود بصاحب گرو داده خواهد شد و صاحب گرو از فردای روز حراج»  
 «الی سه سال میتواند مطالبه آن تفاوت را بکند»  
 «فصل شانزدهم - اسباب مرهونه باید بعد از مدت یکسال از گرو خارج بشود»  
 «هر گاه صاحب مال نتواند بعد از یکسال مال خود را از گرو بیرون بیاورد یا»  
 «تجدید سند نماید در ماه سیزدهم آن سند فروخته خواهد شد برای تجدید سند»  
 «باید بدو فرغ گذشته را بدهد بعد گرو را مجدداً بقیمت بیاورد تفاوت قیمت»  
 «حالیه باقیمت دفعه اول هر چه باشد باید شخص مقروض بدهد یعنی قیمت ثانوی»  
 «در وقتی خواهد شد که فرغ گذشته را داده باشند و هر گاه کسر قیمت پیدا شود»  
 «صاحب گرو باید آن کسر قیمت را بدهد و باقتضای قیمت ثانوی گرو بهمان وعده»  
 «و شرایط اول تجدید عمل نماید»  
 «فصل هفدهم - هر گاه شیشی گروی مفقود شود قیمت آنرا از روی تعیین روز»  
 «اول بعلاوه یک ربع بصاحب گرو داده خواهد شد هر گاه اسباب گرو معیوب»  
 «شود صاحبش حق دارد با داوره واگذار نماید و قیمت آنرا از روی تعیین روز اول»  
 «یا از قرار تعیین دفعه ثانی مثل اینکه سند تجدید میشود مطالبه نماید»  
 «فصل هیجدهم - برای حراجی شهرهای دیگر صاحب امتیاز مالیات حالیه»  
 «حراجی آن شهر را خواهد داد»  
 «این قرار نامه در دو نسخه نوشته شد»  
 «بتاریخ غره شهر شوال المکرم سنه ۱۳۰۷ هجری»

### اجازه استعمال لفظ بانك

بطوریکه گفته شد ابتدا قرار بود که پلیا کف موسسه ای را که تاسیس مینماید بنام «انجمن استقراض ایران» بنامد ولی در جریان تهیه مقدمات تاسیس آن از دولت ایران تقاضا میکند که موافقت شود اسم «بانك» را روی این موسسه بگذارد. دولت ایران اول شفاها موافقت خود را با این درخواست اعلام میدارد و بعدهائیز که از طریق سفارت روس کتباً این موافقت را میخواهند وزیر امور خارجه ایران در جواب وزیر مختار روس چنین مینویسد.

«از مضمون رفته آن جناب جلال و نبالت نصاب مورخه ۱۶ شه ان ۱۳۰۹ استحضار حاصل کرد اینک مرقوم داشته بودند مسیواستروبی رئیس اداره انجمن استقراض رهنی روس در ایران اظهار نموده بود که چون این اسم برای اهالی ایران اشکالی دارد متمنی است اجازه داده شود باسم بانك این اداره موسوم شود و چون استعمال لفظ بانك برای اداره مزبور ضرری بیبانك شاهنشاهی ندارد زحمت دادباداره مزبور بانك نامیده شود ولی معلوم است که امتیازات و حقوقی که مخصوص بانك شاهنشاهی و دولت است مخصوص خود همان بانك خواهد بود. این اداره فقط باسم بانك موسوم خواهد بود مورخه فی شهر رمضان ۱۳۰۹»

### اعمال بانك

ژاك پالیا کف بعد از آنکه قسمتی از سهام این بانك را بعدهای از سرمایه داران روسی و بلژیکی میفروشد مقدمات کار را تهیه مینماید و شعبه مرکزی بانك را در تهران افتتاح و اعلانی که عملیات و کارهای بانك را بتفصیل برای مردم شرح میداد منتشر میسازد. برای اطلاع از کارهای این بانك و چگونگی آن متن ایسن اعلان را در اینجا نقل مینمایم.

### اعلان بعموم ناس

«محض صرفه عموم و تسهیل معاملات تجارتهی و مخصوصاً برای آسانی کار استقراض و کم کردن تنزیل آن و کمک بتوسعه شعب مختلف صنایع ایران اعلیحضرت قدر قدرت اقدس شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطانه سرمایه داران روسی مرحمت فرموده اجازه داده اند که مجمعی برای قرض دادن تنخواه تشکیل دهند و آن مجمع نامیده میشود (بانك استقراضی رهنی روس) و چون این بانك عنقریب شروع و اقدام بکار مینماید رئیس دایره چنین صلاح دانسته که وضع اعمال و طریقه را که پیشنهاد مینماید بموجب این اعلان بعموم مردم معلوم کند.

فصل اول - بانك استقراضی رهنی روسی تشکیل مییابد بوضع شرکت (آونیم) یعنی مجهول الامم از سرمایه داران مختلفه روسی که صاحبان اسهامند و سرمایه که برای خود مشخص کرده دوگرو و دوینست و پنجاه هزار منات مسكوك طلا است که آن تخمیناً معادل شصدهزار تومان پول تهره ایران میباشد.

فصل دوم - مرکز اداره کل بانك مزبور در دارالخلافه طهران در خیابان لاله زار در خانه جناب مشیر الملك است و در سایر ولایات ایران نیز از جانب این بانك متمسجاشمبات برقرار خواهد شد و هر وقت شعبه در ولایتی بنظر قرار شد بمامنه ناس اطلاع

داده میشود.

فصل سیم - این بانك استقراضی رهنی روسی بلیت بانك در معاملات خود بروج نخواهد انداخت و تمام داد و ستد آن از مسكوكات طلا و تهره که در ایران رایج است خواهد بود.

فصل چهارم - این بانك استقراضی رهنی روسی از اعمال از باب معاملات خود احدی را مطلع نخواهد ساخت و هیچگونه خبری بهیچکس نخواهد داد.

فصل پنجم - این بانك استقراضی رهنی روسی هر کس طالب باشد پولی باین بدهد برات میتواند بگیرد بتمام بانكهای شهرهای روسیه و مخصوصاً بلاد عمده ممالک فرانك عموماً بهمان شروط و وضعی که در بلاد فرانك معمول است.

### (استبصار)

در داخله ایران نیز اگر کسی براتی حواله بشهرهای دیگر این مملکت غیر از طهران داشته باشد بانك استقراضی رهنی روسی که مرکزش در طهران است بمجرّد افتتاح شعبهها در آن شهرها برات خواهد داد.

فصل ششم - هر شخص معتبر بایک ضامن معتبر میتواند با منفعت معینی که معلوم خواهد شد بوعده سه ماه یا شش ماه الی نه ماه از این بانك استقراضی رهنی روسی استقراض نماید.

تنزیل پولی که این بانك قرض میدهد تابع معاملات روزمره بازار است و چون الان نمی توان آن تنزیل را بدرستی معین نمود رئیس بانك همیشه اهتمام میکند که منفعتی معین نماید که مناسب و بقاعده باشد و باعث خسارت مدیون نباشد.

فصل هفتم - هر شخص تاجری میتواند از این بانك تنخواهی قرض کند دادن سندی که امضاء کرده باشد و ضامن دیگر لازم ندارد در صورتی که مال التجاره رهن بگذارد که بانك بتواند آنرا قبول کند و موعده این تنخواه استقراض زیاد از سه ماه نخواهد بود و تاجری که تنخواه قرض میکند باید علاوه بر منفعت مقرر اجرتی برای نگاهداشتن مال التجاره و حفظ آن بیبانك مزبور کارسازی نماید و آن اجرت از روی تناسب مال التجاره و حجم آن است. هر گاه مدیون بعد از سه ماه مال التجاره خود را از رهن بیرون نیاورد و حبس مال التجاره بطوری باشد که بانك مزبور قابل تجدید معامله نداند حق دارد که مال التجاره را در ماه بعد از انقضای مدت بهراج بفروشد و تنخواهی را که قرض داده با منفعت زمان پس افتاده و حق نگاهداشتن و حفظ کردن و خرج حمل و نقل و مخارج فروش از قیمت مال التجاره بردارد بعد از آنچه باقی ماند حق صاحب مال التجاره است.

فصل هشتم - در این بانك استقراضی رهنی روسی اشیاء گرانبها از قبیل طلا و تهره و جواهر و غیره همچنین اشیاء منقوله که نگاهداشتن آن ممکن باشد از چیزیکه بنحقران بیرزد تا هر قدر گرو گرفته تنخواه قرض داده میشود و اشیاء مرهونه را مجمع بانك مالک قیمت مینمایند و رهن اگر فلزات گرانبهاست بانك مزبور در ازاء صد هفتاد و پنج قرض میدهد و اگر چیزهای دیگر است در ازاء صد پنجاه یعنی نصف قیمت عاده اشیاء بعنوان مرهونه را قرض خواهد داد و در وقت گرفتن آن اشیاء رهن قبض صاحب آن میدهد.

که مطالب مسطوره در ذیل آن مندرج است .  
 اولاً تفصیل صحیح از اشیاء مرهونه بقدر امکان  
 ثانیاً تاریخ استقراض و رهن  
 ثالثاً وعده تنخواه  
 رابعاً قیمت عادلہ اشیاء مرهونه موافق تقویم  
 خامساً مبلغ تنخواه استقراض

سادساً منافعی که باید برای وجه استقراض و نگاهداشتن اشیاء مرهونه و حفظ آن داده شود قبوضی که این جمله در آن ثبت است بامضاء و مهر بانك مذکور خواهد بود و باسم حامل مگر آنکه قرض کننده بخواهد قبض مخصوصاً باسم خود او باشد .  
 بانك مزبور اشیاء مرهونه را بمناسبت جنس و حالت آن بوعده يك ماه الی دوازده ماه قبول میکند همینکه وعده معین منقضی شد يك ماه مهلت داده میشود که مالك اشیاء مرهونه آن اشیاء را از رهن بیرون آورد یا برای مدت دیگر تجدید معامله نماید در صورتی که آنچه از وعده پول گذشته تنزیل او را بپردازد و منافع موعود جدید را نیز بدهد و در صورت تجدید معامله بانك مزبور اشیاء مرهونه را مجدداً قیمت خواهد رسانید اگر کمتر از قیمت اول قیمت کردند مدیون مجبور است تفاوت و کسرها کارسازی کند و اگر زیادتر قیمت نمودند علاوه را دریافت مینمایند اگر بعد از انقضای يك ماه مهلت مذکور اشیاء مرهونه را از رهن بیرون نیاوردند یا تجدید معامله نکردند آن اشیاء بطور هراج فروخته خواهد شد . و برای فروختن اشیاء مرهونه در هراج نه اعلام خواهد شد و نه چیزی بطبع خواهد رسید فقط دو هفته قبل از فروش نمره های قبوض اشیاء مرهونه در دفتر خانه بانك بدیوار چسبانیده خواهد شد قرض کننده ذیحق خواهد بود که قبل از وعده معین کل تنخواه یا بعضی آن را بپردازد . در اینصورت بانك مسطور تنزیل مدتی را که پیش داده در حساب او محسوب خواهد داشت قرض گیرنده حق دارد بعد از انقضاء وعده معینی نیز اشیاء مرهونه را بتوسط بانك بفروش رساند در صورتیکه مشخص نماید که آن اشیاء باید تا چه مبلغ بفروش رسد در هنگام فروش اشیاء مرهونه اگر بقیمتی که پیش تقویم شده فروخته نشود بانك مسئول نیست و تنخواهی را که قرض داده بامنافع آن و حق نگاهداشتن و حفظ کردن از روز انقضاء وعده تا روز فروش بر خواهد داشت همچنین مخارج حمل و نقل و خرج فروش و غیره را بعد از آنچه علاوه مینماید بحامل قبض تسلیم مینماید .

در صورتیکه حامل قبض بمطالبه علاوه تنخواه مزبور نیاید بانك استقراضی رهنی روسی مجبور است آنرا بدون نفع و تنزیل تا مدت سه سال نزد خود نگاهدارد اگر از سه سال هم گذشت مبلغ علاوه را با حضور یک نفر از کماشکان دولت بقراء شهر تقسیم خواهند کرد . و اگر بجهتی در وهله اولی اشیاء مرهونه بفروش نرسد در شش هفته بعد باز فروش و هراج آن میپردازد و هر گاه در دفعه ثانی اشیاء مرهونه را به قیمتی که معادل طلب بانك است نخریدند بانك مختار است آنها را بضرر بفروشد یا برای خود نگاهدارد بدون اینکه دیگر چیزی از مدیون مطالبه کند یا مدیون از بانك مطالبه نماید .

بانك مذکور باعتبار تمام ممکنت و سرمایه خود ضامن حفظ جمیع اشیائی است که نزد او رهن گذاشته میشود اگر احیاناً چیزی از اشیاء مرهونه گم شد مالك تمام قیمت آنرا بموجب تقویم آخری از بانك دریافت خواهد نمود علاوه بیست و پنج درصد که ابتدا در گذاشتن رهن از قیمت آن کسر شده .

تنزیل در سال باید دوازده الی هیجده درصد تجاوز نکند یا در ماه ازدو تا سه شاهی برای يك تومان و قرار تفاوت تنزیل باشخص قرض کننده داده خواهد شد بتناسب جنس و نوع اشیاء و مال التجاره مرهونه و بمناسبت عمده بودن تنخواه و رواج مسکوکات بازار و غیره و غیره .

اگر چه بانك ذیحق است که برای کرایه انبار و مخارج نگاهداشتن و حفظ کردن اشیاء مرهونه حقی که زیاده از نه درصد نباشد دریافت کند معیناً در بعضی مواقع میتواند از این مبلغ هم چیزی کسر کند یا آنکه بکلی از آن صرف نظر نماید .  
 فصل نهم - بانك مذکور هر قسم اسناد و نوشتجات معتبره و اسهام و نسکات را که ممکن است قبول داند رهن گرفته تنخواه قرض خواهد داد .

#### ( استبصار )

این بانك استقراضی رهنی روسی حق ندارد بروات دولتی و املاك واقعه در خارج شهرها را بعنوان رهن قبول نماید و تنخواهی در ازاء آن قرض دهد .  
 فصل دهم - زارعین و مالکین مزارع میتوانند از این بانك تنخواهی قرض کنند و حاصل مزارع خود را رهن آن تنخواه قرار دهند یا یک نفر ضامن با استطاعت بدهند و صبر نمایند تا موقع مساعد برسد و محصول خود را بقاعده فروخته قرض خود را ادا نمایند .

یک نفر از ملاکین بزرگ قریه یا جمعی از زارعین و ملاکین کسوچک همان دهکده میتوانند برای بهبودی و توسعه عمل زراعت خود اعم از اینکه برای خرید دواب و حیوانات کاری باشد یا آلات زراعتی یا بجهت حفر قنات جدیده بوعده چند سال معین که از پیش مشخص شود از این بانك تنخواهی قرض کنند و هر سال بقسط السنین يك قسمت از اصل تنخواه و فرع آنرا کار سازی نمایند تا تمام پرداخته شود و رهن و ضامن این تنخواه اشیاء منقوله و میاه قنات جدیده و محصول زراعتی آنها باشد و بهیچ وجه املاك و اشیاء غیر منقوله ممکن نیست رهن و گرو این تنخواه شود چه بانك مذکور حق مالك شدن آنرا ندارد .

فصل یازدهم - این بانك استقراضی رهنی روس قبول مینماید خرید و فروش هر نوع مال التجاره را بوکالت ثالثی و بشروط عادلانه .

فصل دوازدهم - هر کس تنخواهی داشته باشد میتواند بضرر امانت عندالمطالبه یا بعنوان امانت وعده در این بانك بگذارد و وضع امانت عندالمطالبه این است که بانك در صدی دو در سال بصاحب تنخواه تنزیل میدهد و کتابچه باسم صاحب تنخواه با او میدهد که هر وقت بخواهد پولی ببانك بطور امانت عندالمطالبه بدهد در آن ثبت کند نیز کتابچه دیگر که اوراق آن از آن جدا میشود بانك مزبور بهمان شخص میدهد و اسم هر ورقه این کتابچه

(چك) میباشد صاحب تنخواه هر وقت میخواهد پولی بیاك از بابت حساب خود حواله كند. روی چك حواله میدهد كه بحامل یا بشخص معین دیگر پرداخته شود و هر وقت چك در بانك در محل ادای تنخواه ابراز شود فوراً تنخواه حواله آنرا می بردازند. تنخواهی كه بطور امانت هند المطالبه در بانك مسطور گذارد میشود ممكن است صاحب آن يكدفه آنرا دریافت كند و میتواند بدفعات بگیرد بمیل خود اوست.

اما امانت وعده آن نیز بادو كتابچه وبهمان قواعد داد و ستد میشود فقط شرط آن این است كه صاحب تنخواه باید هفت روز وعده حواله دهد. چك امانت وغيره هر وقت در دفتر خانه بانك ابراز شود قبولی آنرا بموعده هفت روز مینویسند و بعد از مدت مزبور كار سازی میکنند و این امانت وعده كه در تمام بانك های فرنگ معمول است محض آن ایجاد شده كه بانكها مجبور نباشند در صندوقهای خود تنخواه را زیاد عبث نگاه دارند بنا بر این منافع تنخواه امانت وعده در بانك استقراضی رهنی روسی در سال صدسه میباشد یعنی بانك مزبور برای هر صدی در سال سه بصاحبان تنخواه امانت وعده تنزیل میدهد.

فصل سیزدهم - نیز این بانك استقراضی رهنی روسی پولی را كه میخواهند در آن بموعده معین امانت بگذارند قبول مینماید و بجای كتابچه كه در فصل دوازدهم ذكر شد قبوض مخصوصه بموعده معین بصاحبان تنخواه خواهد داد و تنزیل این قسم تنخواه در سال درصد چهار خواهد بود در صورتیکه مدت امانت از سه ماه الی شش ماه باشد و در صورتیکه مدت آن از هفت الی دوازده ماه باشد در سال برای صدشش تنزیل خواهد داد و ادای تنزیل و منفعت بعد از انقضای موعده خواهد شد.

فصل چهاردهم - اشخاص بی چیز كه میخواهند بصره جوئی رفاهیتی در احوال خود حاصل نمایند برای امداد بآنها و آسانی كار ایشان پولی را كه پس انداز مینمایند بانك استقراضی رهنی روسی بشروط ذیل بطور امانت قبول مینماید.

تنخواهی كه امانت گذارده میشود در كتابچه مخصوص ثبت خواهد شد و آن كتابچه بصاحب تنخواه داده میشود و بانك مزبور در سال درصد چهار بآنها منفعت خواهد داد و ماهها را تماماً موافق ماههای روسی حساب خواهد كرد و منفعت مزبوره در اول هر ماه ژوئیه و اول هر ماه ژانویه ضمیمه اصل تنخواه میشود كه صاحبان آن از نفع اندر نفع منتفع شوند یعنی بعد از آنكه فرع ضمیمه اصل شد آن نیز مثل اصل فرع خواهد داشت.

شخص يكدفه ممكن نیست كمتر از دو قران و بیشتر از صد قران در بانك امانت گذارد و اگر تنخواه شخص بهزار قران رسید باید از بانك دریافت كند اگر نگذرد جزو امانت عندالمطالبه كه پیش شرح آن نگاشته شد محسوب میشود و این قسم پولها را بانك استقراضی رهنی روسی نمیگیرد و نمی دهد مگر در هفته يكروز و آن روز دوشنبه است.

فصل پانزدهم - هر نوع توضیحات كه مردم در مطالب بانك استقراضی رهنی روسی بخواهند رئیس بانك همیشه حاضر است كه بطیب خاطر و میل آن توضیحات را بایشان بدهد.

فی شهر صفر المظفر ۱۳۰۹

**بانك استقراضی**  
**شبهای از وزارت**  
**مالیه روسیه بود**

باین ترتیب روسها در مقابل بانك شاهنشاهی بانکی را تاسیس مینمایند كه تمام كوشش و سمیش در راه توسعه نفوذ و مقاصد سیاسی روسیه تزاری بكار میرفت. كار عمده این بانك پول قرض دادن باشرايط خیلی سهل و ساده و مدت طولانی بایرانیان متنفذ و طرفداران سیاست روس در این کشور بود.

این بانك بعدها برای جلب توجه مردم بخود شرايط و مقررات ساده تری وضع می كند بنحوی كه حتی بتواند فقیرترین مردم این مملكت را زیر بار قرض بانك استقراضی روس بكشاند از جمله در ماه جمادی الثانی سال ۱۳۰۱ هجری قمری اعلامی بشرح ذیل منتشر میسازد.

### اعلان

« بانك استقراضی رهنی ایران بقاطبه اهالی طهران محترماً اعلان میدهد محض »  
« آسایش حال فقراء و مستقرضین مستاصل هر كس از هر قبیل اسباب در بانك استقراضی »  
« بمبلغ يك تومان گرر بگذارد در هر ماه يككشاهی برای يك تومان تنزیل »  
« خواهد گرفت .

« بتاریخ یوم دهم شهر جمادی الثانیه سنه ۱۳۱۱ »  
از تاریخ ایجاد این بانك چندی نمی گذرد كه دولت روس تمام امور آنرا بدست میگیرد و رسماً شعبه ای از وزارت مالیه روسیه میشود.

روزنامه روسی « نوی وریما » (عصر جدید) چاپ بطرز بورغ در شماره ۶۶۱۹ مورخ ۳ ژوئیه ۱۸۹۴ (۱۲ صفر ۱۳۱۲) مینویسد .

« بانك استقراضی ایران كه كوتوار عمده در طهران دارد و متعلق به پولیاكوف بود بدست دیگران رسیده و اكسیونهای آنرا اشخاص تازه خریدند از امر كزاسلی آن بانك كه در بطرز بورغ است اجزای خودشان را تغییر داده و برای كوتوار طهران هم اجزای تازه منتخب کرده اند بانك مزبور با بانك دولت روس من بعد رجوعات خواهد داشت و در هر نوع كار متعلق ببانك طهران ممكن است در هر جا ببانك دولتی روس رجوع كرد ».

هانری ساوج لندور ( ) انگلیسی در كتاب خود بنام Across Coveted Lands راجع ببانك استقراضی روس چنین مینویسد .

« بانك مهم دیگری كه هر چند بكارهای دیگر مشغول است و امید بسیار بدان دارند بانك معروف ببانك روس یا بنحوی كه هنگام تاسیس بوسیله پالیاكف در ۱۸۹۱ نامیده شد انجمن استقراضی ایران است . تاسیس این انجمن تجریدی بود بمنظور كشف دقیق احتیاجات كشور و بهترین طریق جلب تجارت انحصار حراج عمومی بانضمام « مون-دویته » (۲)

اما این نقشه ابتدا توفیق كامل حاصل نكرد زیرا كه اهالی به نازكیهای ناگهانی عادت نداشتند. موسسه مزبور سپس تبدیل به بانك استقراضی گردید ولی از حیث مالی فایده نمی كرد و هوقمی رسید كه انتظار میرفت برچیده شود . گفته میشود كه در آن موقع بانك تبدیل كرد كه با بانك شاهنشاهی شريك خواهد شد با آقای دوویت (۳) (وزیر مالیه روس) در این امر مشاوره شد و مشاوریه درست پس از ۲۴ ساعت تصمیم خود را راجع به بهترین طریق ممكن اتخاذ نمود وی بانك را خریداری كرد و بانك دولتی سنت بطرز بورغ سهام رایش پرداخت نمود .

وزیر مالیه حق دارد کلیه مامورین بانک را تعیین نماید و برای حفظ ظاهر لازم نیست که کلیه این مامورین رؤسی باشند و در امور بانک عیناً از روش بانک دولتی سنت پترزبورغ تبعیت میشود. بعنوان مدیر مرد بسیار برجسته را قرار دادند و آقای گروب (۱) بود که بسیار مبادی آداب و خوش معاشرت بود و مانند آقای رابینو مدیر بانک شاهنشاهی در کار مالیه نایب بود و اهالی را با خصائصشان خوب میشناخت.

در مدت کوتاهی که وی در طهران بود بانک ولو با سرو صدا کارهای بسیار صورت داده و موسسه معروفی شده است.

صور میکند آقای گروب این امتیاز را نسبت بمدیر بانک شاهنشاهی دارد که روسها وقتی می بینند مرد کار بری را بر کاری گمارده اند او را آزاد می گذارند و کاری بکارش ندارند.

چنین کسی اختیار کامل خواهد داشت که هر کار را صلاح بداند انجام دهد و دیگر سهامدارانی که در کشور خود مانده اند مزاحم او نمی شوند این آزادی طبعاً امتیاز محسوسی نسبت بمدیر بانک شاهنشاهی باو میدهد زیرا که مدیر بانک شاهنشاهی همواره باید منتظر دستور لندن باشد.

آقای گروب که من با او مصاحبه طولیل و جالبی کردم بمن اظهار داشت که چگونه روزها را در شعبه بازار بانک طی میکند و در آن محل مشغول مطالعه طرق امکانات آینده و بهترین طریق معامله و نقل و انتقال که قابل برابری با اصول اروپاییها باشد و خصوصاً مشغول تحلیل بهترین طریق جلب بردن تجارت روسیه در ایران میباشد.

در همه این کارها مشاورانیه مورد اعتماد کامل دولت خود میباشد و اوقات این نکته جالب توجه است که وی چه خدمتی به نفوذ روسیه در ایران کرده است.

هیچ حقه بازی و دسیسه و دخلی در آن نیست بلکه رقابت آشکار و صریح در کار است و در نتیجه ملتی که قویتر است جلوتر خواهد بود.

جای خوشوقتی بود که دومدیر دو بانک رقیب باجه احترام و اهمیتی از یکدیگر صحبت میکردند این هر دو نفر بیچنگ نین بن مالی مشغول بودند و هر دو طرف مردانه و منصفانه و شجاعانه می جنگیدند. هیچگونه اثر خدعه در هیچ طرف موجود نبود و من این نکته را خصوصاً ذکر میکنم چون شخص در روزنامه های انگلیس مقالات مهملی می بینند که اکثر بوسیله نویسندگان مجهول و غیر مطلع نوشته شده است.

آقای سید محمد علی جمال زاده در کتاب گنج شایگان راجع بانك استقراضی روس مینویسد «موجب تاسیس این بانک را باید قصد حکومت روس بتوسعه نفوذ خود در ایران دانست چنان که در اول کار مدتها کار بانك منحصر بدسیسه در راه رقابت با بانک شاهنشاهی که انگلیسی است و بانفوذ انگلیسیها در ایران بوده و در این راه و در راه تقویت نفوذ روس بانك استقراضی اصراف زیاد نمود و مبالغ کثلی بدرباریان و اعیان و ارباب نفوذ و علماء قرض داد و چه بسا که مبلغ قرض چند برابر از اعتبار سالیه طرف زیادتر بود و در این راه بانک مزبور چنان با فراطرفتار نمود که در ذی الحجه ۱۳۲۲ وقتیکه وزارت مالیه روس جلو اعتبار سیاسی بانک را گرفت معلوم گردید که از ۳۰ میلیون منات سرمایه اولیه بانک فقط ۳ میلیون منات در سند و قهای آن باقی مانده و در بقیه در محلهای بی اعتبار در قرض اعیان و تجار و علمای ایرانی بود و در شهر طهران تنها طلب بانک از هر صدم ۱۶ میلیون منات بود و باید دانست که بانک استقراضی شعبه از مالیه روس است.

ترقی و پیشرفت بانک مزبور را باید مخصوصاً از فرط جدوجهد و کوشش کردی دانست که در آن تاریخ رئیس بانک در طهران بود.

بعدها که کار بانک استقراضی در ایران بالا گرفت دولت روس در ایران ایجاد يك وزارت بانک نمود و از طرف وزارت مالیه روس يك ماموری با ایران آمد که مدیر کل بانک استقراضی در طهران و مدیر شعبهای آن در ایالات و ولایات در تحت نظارت و حکم او بودند. اول نماینده که دارای منصب مزبور گردید اوسترو کلودسکی (۲) بود که کار بانک را استحکام زیاد بخشود.

بانك استقراضی يك شعبه بانك رهنی نیز دارد که بموجب امتیازنامه خصوصی ایجاد گردیده و مرکزش در مسکو است و عمل کرد بسیار دارد.

بانك استقراضی روس تا هنگام انقلاب اکتبر سال ۱۹۱۷ بکار خود ادامه میداد و بعداً بموجب فصل نهم عهدنامه دوستی ایران و شوروی مورخ سال ۱۹۲۱ که مقرر میدارد.

« چون دولت جمهوری فدراتیو سوسیالیست شوروی روسیه مخالفت خود را با سیاست مستمرانه کاپیتالیست ها که موجب از دیاد فقر و فاقه و باعث سفق دماء بوده اند عننا اعلام کرد لهذا جدا از استفاده از کارهای اقتصادی دولت امپراطوری روسیه که مقصود رقیت اقتصادی ایران بود صرف نظر می نماید و باین ملاحظه تمام نفوذ و تقایس و قروض و مطالبات و کلیه اشیاء منقوله و غیر منقوله بانك استقراضی ایران واقعه در خاک ایران را کاملاً بملت ایران تفویض میکند. »

بانك استقراضی در اختیار دولت ایران قرار میگردد و دولت حسابهای آن را تصفیه و بجای آن بانک ایران تاسیس میگردد.